مطالعات تاریخ اسلام
سال هفدهم، شمارهٔ ۶۶، پاییز ۱۴۰۴، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۱۰۷ - ۱۳۵

بررسی مقایسه‌ای گزارش‌های گونه‌های معجزات منسوب به امامان(ع) در دو کتاب *الاختصاص* و *الارشاد* شیخ مفید و مسئلهٔ انتساب *الاختصاص* به مفید

زهرا سجادی[۱]
محمدرضا بارانی[۲]

چکیده: کتاب *الاختصاص* منسوب به شیخ مفید، دربردارندهٔ احادیث خاص و به‌ویژه روایات معجزات امامان(ع) است و گونه‌شناسی و فراوانی‌سنجی این گونه روایات کتاب با کتاب *الارشاد* مفید می‌تواند در مسئلهٔ انتساب کتاب *الاختصاص* به شیخ مفید راهگشا باشد.

بررسی با رویکرد کمّی-توصیفی گونه‌شناسی، یکی از راه‌های اعتبارسنجی حدیث است تا گزارش‌های پراکنده در کتاب واکاوی و دسته‌بندی شوند. در این مقاله، گونه‌شناسی و مقایسه روایت‌های معجزات در دو کتاب *الاختصاص* و *الارشاد* بررسی شده است تا بر پایهٔ میزان همخوانی کاربست گونه‌ها، مسئلهٔ انتساب *الاختصاص* به مفید روشن شود. نتایج پژوهش نشان‌دهنده تفاوت آشکار و معنی‌دار گونه‌های معجزات در دو کتاب *الاختصاص* و *الارشاد* و ناسازگاری باورهای کلامی او در کتاب‌های دیگرش با این کتاب است. بنابراین گمانه انتساب *الاختصاص* به مفید پذیرفتنی نیست.

واژه‌های کلیدی: سیره امامان، معجزه، گونه‌شناسی، اعتبارسنجی، الاختصاص، الارشاد، شیخ مفید

10.22034.17.66.2
frruzansajjadi@gmail.com
m.barani@alzahra.ac.ir
https://orcid.org/0000-0002-5680-3924

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 17, No 66, Autumn 2025
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir
Scientific-Research, pp. 107-135

A Comparative Study of the Types of Miracles Attributed to the Imams (PBUT) in *Al-Ikhtisas* and *Al-Irshad* by Sheikh Mufid, and the Question of Attributing *Al-Ikhtisas* to Mufid

Zahra Sajjadi[1]
Mohammad Reza Barani[2]

Abstract: The book *Al-Ikhtisas* attributed to Sheikh Mufid, contains specific hadiths, particularly those concerning the miracles of the Imams (PBUT). A classification and frequency analysis of these reports, compared with *Al-Irshad* by Mufid, can shed light on the question of attributing *Al-Ikhtisas* to him. Examination through a quantitative-descriptive approach to classification is one method of verifying hadiths, allowing scattered reports in the book to be analyzed and categorized. In this article, the classification and comparison of miracle narratives in *Al-Ikhtisas* and *Al-Irshad* are undertaken to clarify the attribution of *Al-Ikhtisas* to Mufid based on the degree of concordance in the use of types. The findings indicate a clear and significant difference in the types of miracles reported in the two books, as well as inconsistencies between his theological beliefs in other works and those reflected in this book. Therefore, the attribution of *Al-Ikhtisas* to Mufid is not acceptable.

Keywords: Imams' biography, miracles, typology, authentication, *Al-Ikhtisas*, *Al-Irshad*, Sheikh Mufid.

10.22034.17.66.2
1. Ph.D. Student of Islamic History, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. frruzansajjadi@gmail.com
2. Associate Professor, Faculty Member, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author). m.barani@alzahra.ac.ir https://orcid.org/0000-0002-5680-3924
Receive Date: 2025/04/12 Accept Date: 2025/10/02
Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

مقدمه

سده‌های چهارم تا ششم قمری دوره تألیف و پیدایی مهم‌ترین جوامع روایی شیعه بوده است. نفوذ احادیث غالیانه خطری بود که اعتبار این آثار روایی را خدشه‌دار می‌کرد و بر لزوم پرداختن به پالایش احادیث می‌افزود. شناخت سیره و زیست علمی و اعتقادی ائمه، به اعتبارسنجی گزارش‌های این آثار وابسته است. از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در اعتبار یک منبع، بررسی شخصیت و جایگاه نویسندهٔ آن است و برخورداری نویسنده از پایگاه برجسته علمی نشانگر تأثیرگذاری اوست.

برخی انگاره‌ها پایهٔ اندیشه‌های شیعه دانسته شده و برای نمونه، انگارهٔ رجعت در تاریخ اندیشه شیعه، در یک وضعیت دوگانهٔ هویتی یا غالیانه بوده (آقاگلی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۲) و همین نگرش، درباره معجزه‌های منسوب به امامان وجود داشته و رویکرد دوگانه هویتی یا غالیانه‌پنداری آن، در بین عالمان شیعه برجسته است. بدین روی، می‌تواند بر پایه باور خردگرایانه مفید، سنجه‌ای برای گونه‌شناسی روایات معجزات در این دو کتاب و انتساب آنها به مفید باشد.

کتاب *الاختصاص* از آثار مهم روایی شیعه و دربردارندهٔ احادیث بسیاری از امامان شیعه است. نزدیکی زمان نوشتن به دورهٔ زندگی امامان و آوردن روایات نایاب، بر ارزش این کتاب افزوده است. *الاختصاص* برای اولین بار در زمان علامه مجلسی و شیخ حر عاملی شناسانده شد و درباره نویسنده آن گمانه‌زنی‌هایی مطرح گردید. برخی این کتاب را از شیخ مفید (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷/۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۸: ۳۷/۱؛ همو، ۱۴۰۱: ۳۰/ ۱۵۸؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۲۰/۵) و برخی آن را همان کتاب *العیون و المحاسن* شیخ مفید دانسته (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۵۹/۱، ۳۸۶/۱۵؛ امین، ۱۴۰۳: ۵۱۲/۲) و عده‌ای دیگر مانند سید ابوالقاسم خویی (خویی، ۱۳۶۹: ۱۹۷/۸، ۳۰۷، ۳۴۵، ۳۵۵، ۹/۹، ۱۰۱، ۳۷۷/۱۱، ۱۲۱/۱۴) در انتساب کتاب به شیخ مفید تردید کرده و شماری (کنتوری؛ [بی‌تا]: ۳۰؛ ثقةالاسلام تبریزی، ۱۳۶۵: ۱۵/۲) نیز به این دلیل که نام جعفربن حسین مؤمن[1] در اوایل بعضی روایت‌های کتاب آمده، کتاب را از وی دانسته‌اند.

روش‌های متعددی مانند بررسی‌های سندی و رجالی و کاربرد اصول فقه‌الحدیثی، برای بررسی انتساب یک اثر روایی به یک نویسنده وجود دارد که برخی از این بررسی‌ها پیش از این درباره

---

۱. جعفر بن حسین مؤمن قمی (متوفای ۳۴۰) از راویان حدیث شیعه، در سده چهارم قمری -دوره غیبت صغری- در دو شهر قم و کوفه زندگی می‌کرد و استاد شیخ صدوق بوده و نجاشی او را محدثی صاحب وجاهت دانسته و سه کتاب *المزار*، *فضل الکوفه* و *النوادر* از نوشته‌های اوست.

کتاب *الاختصاص* انجام شده است. یکی دیگر از روش‌های شناخت نویسندهٔ یک اثر، توجه به محتوای کتاب و بررسی همخوانی و میزان مطابقت آن با اعتقادات نویسنده و روش نگارش او با دیگر آثارش است. کتاب *الاختصاص* دربردارندهٔ روایات بسیاری از ائمه شیعه درباره ویژگی‌های اصحاب پیامبر(ص) و امام علی(ع) و معرفی جایگاه ائمه(ع) و دلایل و فضایل آنان و ویژگی‌های علما و مؤمنان و برخی احکام و شرایع است و درواقع، مسائل مطرح‌شده در این کتابِ نقلی روایی، بیشتر اعتقادی و اخلاقی و مانند کشکولی از روایات است.

در میان آثار شیخ مفید، نزدیک‌ترین اثر به *الاختصاص*، کتاب *الارشاد* است که رویکردی کلامی، روایی و تاریخی دارد و در زمینه امام‌شناسی و سیره و نقل فضایل و مناقب آنان نگاشته شده و یکی از کتب معتبر روایی شیعه در زمینهٔ تاریخ زندگانی ائمه است. درصد قابل توجهی از روایات این دو کتاب، درباره کرامات و اعمال خارق‌العادهٔ ائمه است که درباره پیامبر در دستهٔ آثار دلایل‌نگاری مطرح می‌شود و برای اشاره به اعمال خارق‌العادهٔ صادرشده از ائمه در سده چهارم با عنوان معجزات یاد می‌شود (صدوق، [بی‌تا]: ۱۷۱/۲).

در *الاختصاص* ۵۵ روایت و در *الارشاد* ۱۱۷ روایت درباره معجزات آمده است. بنابراین مقایسهٔ روایت‌ها برای اعتبارسنجی انتساب *الاختصاص* به شیخ مفید سودمند است. یکی از روش‌های کارآمد برای بررسی و مقایسه فراوانی و تحلیل محتوای روایات، گونه‌شناسی[1] همانندی‌ها بر پایهٔ شاخص‌های متمایز است. این شیوه از بهترین روش‌ها برای شناخت یک پدیده و جداسازی پدیده‌ها از یکدیگر و جلوگیری از تعمیم‌های نارواست (الویری، ۱۳۹۱: ۹–۱۰). با کمک رویکرد روشی توصیفی گونه‌شناسی می‌توان گونه‌هایی از حوادث تاریخی به دست آورد که بیشترین امکان قانون‌مندی را داشته باشند (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۵۱–۲۵۷) و در شناخت روند درونی پدیده‌ها کارآمد است.

پرسش پژوهش این است که فراوانی و میزان همخوانی گونه‌های روایت‌های معجزات در *الاختصاص* و *الارشاد* چه اندازه است؟ نخست باید مقدمات و مفاهیم نظری مربوط به درستی کاربرد واژهٔ معجزه برای استفاده درباره خوارق عاداتِ گزارشی از امامان واکاوی شود. در گام دوم، گونه‌شناسی گزارش‌های معجزات در *الارشاد* و *الاختصاص* روشن شود؛ و در گام سوم بر پایه فراوانی گونه‌ها، با مقایسه و تحلیلِ همخوانی و ناهمخوانی آنها، میزان درستی یا نادرستی

1. Typology

انتساب *الاختصاص* به مفید روشن شود.

پیش از این، در سه پژوهش[۱] به بررسی پدیدآورندهٔ *الاختصاص* و انتساب آن به شیخ مفید پرداخته شده که در آنها به بررسی دقیق انتساب پرداخته نشده و از شاخص‌های معینی بهره گرفته نشده است. در این نوشته‌ها به بررسی ساختار حاکم بر کتاب *الاختصاص* و سلسله اسناد روایت‌ها و راویان آنها و مقایسه نسخه‌های خطی موجود از این کتاب در کتابخانه‌ها و مراکز نگهداری اسناد و چاپ‌های عربی آن پرداخته شده است؛ البته مقایسه گزارش‌های *الاختصاص* با دیدگاه و آثار مفید در آنها چندان بررسی نشده و چنین می‌نماید که روش نوشتار کنونی رویکردی نوآورانه دارد.

۱. مفهوم معجزه

واژهٔ معجزه[۲] اسم فاعل باب افعال، به معنای آفریننده عجز و ناتوان‌کننده است (رامپوری، ۱۳۷۵: ۸۴۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۵۷/۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۷). قرآن برای اشاره به کارهای حیرت‌انگیز پیامبران، از واژه‌های «آیه[۳]»، «بیّنه[۴]»، «برهان[۵]»، «عجب[۶]» و «سلطان[۷]» بهره برده است. اگرچه مشتقات واژه معجزه در قرآن ۲۶ بار آمده، کاربست این واژه، در معنای امروزین آن نیست و در همه جا معنی لغوی (ناتوانی و تأخّر) مراد بوده است.

«دلائل النبوه»ها به عنوان مهم‌ترین آثار دربردارندهٔ معجزات پیامبر که عمدتاً در سده‌های سوم تا پنجم قمری تألیف شده‌اند، از معجزات پیامبران با واژهٔ «دلائل» یاد کرده‌اند. قدیمی‌ترین کاربرد مشتقات واژه معجزه در معنای امروزین آن، در آثار نظام معتزلی است (اشعری، ۱۴۰۰، ۵۱/۱). عالمان اهل سنت و شیعه در سده‌های سوم تا ششم شاخص‌های متعددی برای واژه

---

۱. سید روح‌الله زمانی موسوی (۱۳۹۱)، «بررسی کتاب اختصاص شیخ مفید»، *مطالعات مهدوی*، ش ۱۸، صص۱-۷؛ سید محمدجواد شبیری زنجانی (۱۳۷۰)، «شیخ مفید و کتاب اختصاص»، *نشریه نور علم*، ش۴۰، صص۶۰-۸۱؛ همو (۱۳۷۰)، «شیخ مفید و کتاب الاختصاص»، *نشریه نور علم*، ش۴۲، صص۱۵۰-۱۷۳؛ مجید معارف و محمدعلی حیدری مزرعه آخوند (۱۳۹۷)، «کاوشی در پدید آورنده کتاب الاختصاص»، *نشریه حدیث‌پژوهی*، ش۲۰، صص۷-۲۸.

2. Miracle

۳. ۳۰/ ۲۲؛ ۳۳/۳۶؛ ۲۳/۳۰؛ ۳۷/۶؛ ۱۰۹/۶؛ ۵۰/۲۹؛ ۱۱/ ۹۶.

۴. ۷۳/۷؛ ۹۲/۲؛ ۱۰۵/۷؛ ۷۲/۲۰؛ ۵۷/۶؛ ۸۷/۲.

۵. ۱۷۴/۴؛ ۳۲/۲۸.

۶. ۶۳/۱۸؛ ۹/۱۸؛ ۲/۵۰؛ ۱/۷۲.

۷. ۱۰/۱۴؛ ۱۱/۱۴؛ ۳۸/۵۱؛ ۱۹/۴۴.

معجزه تعریف کردند. بر پایهٔ تعریف عالمان اهل سنت و شیعه، چنین برداشت می‌شود که شاخص‌های مشترک و کلیدی معجزه، در آغاز از سوی عالمان اهل سنت تعریف شده و شیعیان پس از یک سده، آن شاخص‌ها را گرفته‌اند. بر پایه آن، معجزه کاری است که نشانه صدق ادعای مدعی آن است (طبری، [بی‌تا]: ۴۷۵/۲؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ۱۰۱/۱) و بشر از آوردن مانند آن ناتوان (ابن‌قتیبه دینوری، ۱۴۲۳: ۱۱؛ مفید، ۱۳۹۳: ۴۸) و با ادعای آورندهٔ آن سازگار است (طبری، همان، ۴۷۵/۲؛ علم‌الهدی، ۱۳۶۲: ۲۱۴). همچنین کاری خارق عادت (اشعری، ۱۴۰۰: ۱۰۲/۱؛ مفید، ۱۳۹۳: ۴۸) و مقارن با تحدی است (اشعری، همان، همان‌جا؛ مفید، همان، همان‌جا) که از سوی خدا انجام می‌شود و کار پروردگار است (جصاص، ۱۹۹۵: ۹۱/۱؛ علم‌الهدی، ۱۳۶۲: ۲۱۴) و به پیامبر اختصاص دارد و غیرقابل مشارکت با دیگران است (جصاص، همان، همان‌جا؛ ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۴۴۲)؛ برای پیامبری و شناخت پیامبر، لازم و واجب است (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۹۵۶/۳-۹۶۳؛ طبرسی، ۱۹۸۸: ۶۵۳/۶).

استفاده از واژه معجزه نه تنها برای اشاره به خوارق عادات پیامبران است، بلکه یافته‌های پژوهشی[۱] که درباره سیر تاریخ‌گذاری روایات معجزه و کاربرد واژه معجزه انجام شده و همچنین غور در منابع متقدم نشانگر آن است که تاریخ‌گذاری مبنی بر اسناد روایات، نشان می‌دهد صدوق نخستین کسی است که واژه «معجزه» را برای نوشتن کارهای شگفت‌انگیز امامان دوازده‌گانه شیعه در کتاب‌های حدیثی خود به کار برده است (طیبی و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۸؛ صدوق؛ ۱۳۹۸: ۳۶۸؛ همو، [بی‌تا]: ۲۶۷/۱، ۱۷۱/۲). پیش از صدوق، واژه‌های «دلائل، کرامات، فضائل، خوارق عادات، آیات الباهره، بینات و أعلام» برای اشاره به معجزات امامان کاربرد داشته و سپس کم‌کم این واژه‌ها جای خود را به واژه «معجزه» داده و در نوشته‌های شیعیان نهادینه گردید (مفید، ۱۴۱۳[ث]: ۶۹۱؛ طوسی، ۱۳۸۲: ۱۴۱/۱-۱۴۲؛ علم‌الهدی، [بی‌تا]: ۱۸۴؛ حلبی، ۱۴۰۴: ۲۱۵؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۵۲۰/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۳۱؛ حلی، ۱۳۶۵: ۱۲). شیخ مفید پس از صدوق، بهترین تعریف معجزه بین عالمان امامیه را پیش نهاد که معجزه کاری خارق عادت و سازگار با ادعاست که مردم در انجام مانند آن ناتوان‌اند[۲] (مفید، ۱۴۱۳[ت]: ۳۵) و

---

۱. علیرضا طیبی، فاطمه دست‌رنج و محمد دهقانی (۱۳۹۹)، «تاریخ گذاری روایات معجزه بر اساس روش تحلیلی متن و اسناد»، *نشریه علوم حدیث*، س۲۵، ش۲، صص۴۸-۷۲.

۲. «المعجزه هو الامر الخارق للعادة المطابق للدعوی المقرون بالتحدی المتعذر علی الخلق اتیان مثلة».

راهی برای شناخت درستی ادعای مدعی و کاری از سوی خداست[۱] (مفید، ۱۴۱۳[ب]: ۴۵-۴۶؛ همو، ۱۴۱۳[ث]: ۶۳؛ همو، ۱۴۱۳[پ]: ۵۲).

با توجه به اینکه امامان ادعای پیامبری نداشتند، ظهور معجزه از سوی آنان همراه با تحدی نیست، اما نشانه‌ای برای تأیید امامتشان است. بنابراین معجزات امامان باید دیگر شاخص‌های معجزه (مگر ادعای پیامبری و تحدی) را دارا باشد. از این رو، در این پژوهش منظور از معجزه کاری است که نشانهٔ امامت است و بشر از آوردن مانند آن ناتوان است و کاریست خارق عادت که از سوی خدا انجام می‌شود و فعل پروردگار است و به امام اختصاص دارد و غیرقابل مشارکت با دیگران است.

۲. گونه‌شناسی روایت‌های معجزات امامان در الاختصاص و الارشاد

گزارش‌های معجزات امامان در این پژوهش بر مبنای محتوای روایت‌ها دسته‌بندی شده‌اند که بر دو گونهٔ اصلی و پنج گونهٔ فرعی می‌باشند. این گونه‌ها عبارت است از: معجزات علم غیب (رازدانی) و معجزات تکوینی (پدیدگانی)که هر یک به چند گونهٔ دیگر تقسیم می‌شود و گزارش‌های هر یک از این گونه‌ها و فراوانی آنها بررسی شده است.

۲-۱. معجزات علم غیب (رازدانی)

دانش غیب و رازدانی برای امامان(ع)، در روایات مختلف آمده است و به باور برخی، بر پایه گزارش‌های متواتر درباره آگاهی غیبی علی(ع)، زمینه برای گفتمان محدث بودن وی فراهم شده است (ابطحی، ۱۳۹۳: ۱۷). معجزات در زمینه علم غیب، معجزاتی است که نشانگر علم امامان به امور پنهانی باشد که در سه گونه «دانستن همه زبان‌ها»، «آگاهی از کارهای پنهانی زندگی انسان‌ها» و «آگاهی از آینده» دسته‌بندی می‌شوند. شمار روایت‌های معجزات علم غیب، ۲۹

---

۱. «و اذا ثبتت هذه الاصول وجب إبانة الامام من رعیته بالنص علی عینه و العلم المعجز الخارق للعادات إذ طریق إلی المعرفة بمن یجتمع له هذه الصفات إلا بنص الصادق عن الله تعالی أو المعجز علی ما ذکرناه»؛ «و أقول إن جهة ذلک هو الصرف من الله تعالی لأهل الفصاحة و اللسان عن المعارضة للنبی ص بمثله فی النظام عند تحدیه لهم و جعل انصرافهم عن الإتیان بمثله و إن کان فی مقدورهم دلیلا علی نبوته ص و اللطف من الله تعالی مستمر فی الصرف عنه إلی آخر الزمان و هذا من أوضح برهان فی الاعجاز و دعجب بیان و هو مذهب النظام و خالف فیه جمهور اهل الاعتزال»؛ «و ایضا فإن الامام یجب أن یکون معصوما کعصمة النبی ص و لا طریق إلی العلم بالعصمة إلا من جهة النص من صادق عن الله أو علم معجز خارق للعادات».

روایت (۵۲/۷۳ درصد) از ۵۵ روایتِ معجزات در *الاختصاص* و ۹۶ روایت (۸۲/۰۶ درصد) از ۱۱۷ روایتِ معجزات در *الارشاد* است.

۲-۱-۱. دانستن همهٔ زبان‌ها (زبان‌دانی)

روایات دربردارندهٔ معجزات مربوط به دانستن همهٔ زبان‌ها، علم امام به همه زبان‌ها را گزارش می‌کنند و در این دسته، دانستن زبان اقوام و مردمان دیگر، علم به زبان جانوران و جمادات و علم به زبان کتاب‌های پیامبران دیگر، جای می‌گیرد. این‌گونه معجزه‌ها، ۱۹ روایت (۳۴/۵۵ درصد) از مجموع ۵۵ روایت معجزات در *الاختصاص* را در برمی‌گیرد؛ مانند آواز خواندن امام باقر به زبان سریانی (مفید، ۱۳۹۲: ۴۹۰)،[۱] سخن گفتن امام صادق با برخی و نیز با عمار ساباطی به زبان نبطی (همو، همان، ۴۸۹)،[۲] دو روایت درباره فهمیدن امام صادق زبان غلام عجمی را (همان، ۴۸۹-۴۹۰)،[۳] فهمیدن امام کاظم زبان غلامان صقلابی و رومی را (همان، ۴۹۰)،[۴] سخن گفتن امام هادی با غلام خود به زبان صقلابی (همان، ۴۸۹)،[۵] فهمیدن آواز پرندگان توسط امام سجاد (همان، ۴۹۳)،[۶] علم به زبان پرندگان و منطق‌الطیر توسط امام سجاد (همان، ۴۹۳)،[۷] فهمیدن زبان گوسفند توسط امام سجاد (همان، ۴۹۶)،[۸] دو روایت درباره فهمیدن زبان آهو توسط امام سجاد (همان، ۵۰۱، ۵۰۴)،[۹] فهمیدن سخن گرگ توسط امام باقر (همان، ۵۰۷)،[۱۰] فهمیدن زبان وزغ توسط امام باقر (همان، ۵۰۸)،[۱۱] فهمیدن سخن کبوتر توسط امام صادق (همان، ۴۹۴)،[۱۲] فهمیدن آواز کبوتر

---

۱. «سمعنا قرائة سریانیة بصوت حسن».

۲. «یا عمار ابومسلم فظلله و کساه و کسیحه بساطور. قال فقلت له ما رأیت نبطیا منک بالنبطیة، فقال یا عمار و بکل لسان».

۳. «فقال تکلم بأی لسان شئت فانی افهم عنک»؛ «فقال درقه فقال له ابوعبدالله ان درقه بالنبطیه خذها اجل فخذها».

۴. «فکان ابوالحسن قریبا منهم فسمعهم باللیل یتراطنون بالسقلبیه و الرومیه».

۵. «قال و کیف لاتعجب مازال یکلمنی بالصقلابیه کأنه واحد منا».

۶. «فقال اتدری ما یقلن هولاء؟ فقلت لا ادری، فقال یسبحن ربهن و یطلبن رزقهن».

۷. «یا اباحمزه علمنا منطق الطیر».

۸. «یا عبدالعزیز اتدری ما قالت النعجه؟ قلت لا والله ما ادری. قال فانها قالت الحقی بالغنم، فان اختها عام الاول تخلفت فی هذا الموضع فاکلها الذئب».

۹. «قال علی بن الحسین اتدرون ما قالت الظبیة؟ قالوا لا، قال قالت: رد الله علیکم کل غایب لکم، و غُفِر لعلی بن الحسین کما ردَّ علیَّ ولدی»؛ «فقالوا یا ابن رسول الله مالذی قالت؟ فقال دعت الله لکم و جزتکم خیرا».

۱۰. «ادنی ابوجعفر اُذنه منه ساعة، ثم قال له اِمضِ فقد فعلتُ».

۱۱. «قال فأنّه یقول والله لئن ذُکرتَ عثمان لأسبّنّ علیا حتی تقوم من هاهنا».

۱۲. «یقول یا سکنی و عرسی ما خلق الله خلقا احب الی منک الا ان یکون مولای جعفر بن محمد ع».

دم‌سفید و قمری و پرندهٔ راعبی توسط امام صادق (همان، ۴۹۵)،[۱] فهمیدن زبان آهو و سخن گفتن با آن توسط امام صادق (همان، ۵۰۳)،[۲] فهمیدن زبان وزغ توسط امام صادق (همان، ۵۰۹)،[۳] علم به زبان حال اسب توسط امام کاظم (همان، ۵۰۳)[۴] و خواندن مناجات ایلیا به زبان عبرانی توسط امام باقر (همان،۴۹۱).[۵]

شمار معجزات درباره دانستن همه زبان‌ها در *الارشاد* پنج روایت (۴/۲۷ درصد) از مجموع معجزات کتاب است: سخن گفتن امام کاظم به زبان فارسی با مرد خراسانی (مفید، ۱۳۸۸: ۶۲۹/۲-۶۳۱)،[۶] سخن گفتن امام عسکری به زبان رومی و ترکی (همو، همان، ۷۳۳)،[۷] گفتگوی امام علی با ماهی‌های رود فرات (همان، ۳۸۵)،[۸] سخن گفتن امام علی با مار در مسجد کوفه (همان، ۳۸۷)[۹] و سخن گفتن امام کاظم با شیر (همان، ۶۳۲).[۱۰]

۲-۱-۲. آگاهی از کارهای پنهان زندگی انسان‌ها (نهان‌دانی)

این دسته درباره معجزاتی مانند علم به باطن افراد، آگاهی به نیت‌های قلبی، کردار و گناهان و رویدادها و کارهای پنهانی در زندگی انسان‌ها در زمان حال یا گذشته است. در *الاختصاص* هفت روایت (۱۲/۷۳٪) از روایات مربوط به معجزات، درباره آگاهی امامان از رویدادهای نهانی زندگی انسان‌ها است؛ سه روایت درباره خبر دادن امام علی از ویژگی جسمی زنی شبیه مردان که با او دشمنی می‌کرد (مفید، ۱۳۹۲: ۵۱۳، ۵۱۵-۵۱۶)؛[۱۱] خبر دادن امام علی از نیت کسی که خود را دوست او نشان می‌داد (همان، ۵۲۷-۵۲۹)،[۱۲] آگاهی امام سجاد از نامهٔ عبدالملک‌بن مروان به

---

۱. «فتقول فقدتکم فقدتکم فافقدوها قبل ان تفقدکم...اما الورشان فیقول: قدستم قدستم».
۲. «اذا هو بظَبیٍ ینتحب و یتحرک ذنبه، فقال له ابوعبدالله افعل ان شاء الله».
۳. «قال فیقول لَتکفّنَّ عن ذکر عثمان او لأسبَّنَّ علیاً».
۴. «فقال لم یُعط داود و آل داود شیئٌ الا و قد اُعطی محمد و آل محمد اکثر».
۵. «فسمعنا صوتا یقرء بالعبرانیة».
۶. «ثم قال: یا ابامحمدٍ انّ الامامَ لا یخفی علیه کلام احدٍ من الناس و لا منطق الطیر و لا کلامُ شیءٍ فیه روح».
۷. «سمعتُ ابامحمدع غیرَ مرّةٍ یُکلّم غلمانه بلُغاتِهم و فیهم تُرکٌ و رومٌ و صقالبةٌ».
۸. «فنطق کثیرٌ منها بالسّلام علیه بأمره المومنینَ و لم ینطق مِنها اصنافٌ من السّموکِ».
۹. «تحنی الی الثعبانِ و تطاولَ الثعبان الیه، حتی التقمَ اُذنُه».
۱۰. «فهمهم الاسدُ همهمةً طویلة و ابوالحسن ع یقول: آمین آمین».
۱۱. «یا سلفع یا جریئة یا بذیّة یا منکره یا التی لاتحیض کما تحیض النساء،»؛ «فقال اسکتی یا جریئه یا بذیّه یا سلفع یا سلقلق یا من لاتحیض کما تحیض النساء»؛ « فقال لها یا سلفع یا مهیع یا قردع».
۱۲. «انّی اَدینُهُ بحُبِّک فی السرِّ کما ادینُهُ بِحُبّکَ فی العلانیه، و اَتولّاکَ فی السر کما اتولاک فی العلانیه فقال له امیرالمومنین صدَقتَ».

حجاج (همان، ۵۳۳)،[۱] آگاهی امام صادق از زمان مرگ هشام‌بن عبدالملک در سه روز پیش (همان، ۵۳۴)[۲] و خبر امام رضا از انگیزه قلبی عبدالله‌بن مغیره (همان، ۱۴۹).[۳]

شمار این‌گونه روایات در *الارشاد* نیز ۳۰ مورد (۲۵/۶۵ درصد) از روایت‌های معجزات است؛ آگاهی امام علی به نیت طلحه و زبیر برای خروج به بصره (مفید، ۱۳۸۸: ۳۵۲/۱)،[۴] آگاهی امام علی به توطئهٔ طلحه و زبیر برای جنگ (همان،۳۵۲)،[۵] آگاهی امام علی به نیرنگ سپاه معاویه در سر نیزه کردن قرآن‌ها (همان،۳۵۲)،[۶] آگاهی امام علی به وجود مردی به نام «مخرج» در سپاه خوارج با سینه‌ای شبیه زنان (همان، ۳۵۲)،[۷] آگاهی امام علی به شک جندب‌بن عبدالله برای جنگ با خوارج (همان، ۳۵۴)،[۸] علم به جُنُب بودن ابابصیر هنگام آمدن به خانهٔ امام صادق (همان، ۵۸۷)،[۹] آگاهی امام کاظم به نگرانی و سرگردانی شیعیان درباره امامت (همان، ۶۲۵–۶۲۷)،[۱۰] آگاهی امام رضا به میزان بدهکاری یکی از شیعیان (همان، ۶۶۴–۶۶۷)،[۱۱] آگاهی امام جواد از تشنگی یکی از شیعیان (همان، ۷۰۱)،[۱۲] آگاهی امام جواد از میزان بدهی یکی از شیعیان (همان، ۷۰۱)،[۱۳] آگاهی امام جواد به انگیزه یکی از شیعیان برای دریافت نشانه امامت (همان، ۷۰۱)،[۱۴] آگاهی امام جواد به صاحبان نامه‌ها (همان، ۷۰۱)،[۱۵] خبر دادن امام جواد از حضور ساربان (همان، ۷۰۱)،[۱۶] خبر دادن امام هادی از مرگ واثق در شش روز قبل

---

۱. «ورد خبر ذلک من ساعته علی علی بن الحسین و اخبر انّ عبدالملک قد زید فی ملکه برهةً من دهره لکفَّه عن بنی هاشم».

۲. «قال الیوم الثالث فحسبنا موته».

۳. «قلت للغلام: قل لمولاک رجل من اهل العراق بالباب. فسمعت نداءه: ادخل یا عبدالله بن المغیره».

۴. «ما تریدان العمرة و اِنّما تریدان البصرة».

۵. «انّی أذنت لهما مع علمی بما قد انطویا علیه من الغدر».

۶. «ویلکم انّ هذه خدیعةً».

۷. «إنّ فیهم لرجلاً مَودون الید».

۸. «یا اخا الازدِ اَتبین لک الاَمر؟».

۹. «قال: یا ابابصیر اَما علمتَ انّ بیوت الانبیاء و اولاد الانبیاء لایدخُلُها الجنب؟».

۱۰. «الیَّ لا الی المرجئة و لا الی القدریة و لا الی المعتزلة و لا الی الخوارجِ و لا الی الزّیدیه».

۱۱. «حقُّ الرجلِ علیک ثمانیة و عِشرون دیناراً و ما بقیَ فهو لک».

۱۲. «و الله انّی اظُنُّ اَن اباجعفرٍ یعلمُ ما فی النُّفوسِ کما یقولُ الرّافِضة».

۱۳. «فرفع المصلّی الذی کان تحتَه فاِذا تحته دنانیر فدفعها الیَّ فکان قیمَتها فی الوقت اربعة آلاف درهم».

۱۴. «قال یا علیُّ! ان الله احتجَّ فی الامامةِ بمثل ما احتَجَّ به فی النبوةِ».

۱۵. «قال: اَما انّه سیقولُ لک دُلَّنی علی حریفٍ یشتری لی متاعاً فقُلتُ نعم»

۱۶. «یا غلامُ انظُر الجمّالَ الذی اَتانا به ابوهاشمٍ».

(همان، ۷۱۰)،[۱] آگاهی امام هادی از نیت متوکل برای فریب برادر امام هادی (همان، ۷۱۴)،[۲] خبر دادن امام هادی از نگرانی یکی از شیعیان برای آگاهی درباره امامِ پس از وی (همان، ۷۲۵)،[۳] خبر دادن امام عسکری از میزان نیاز مالی یکی از شیعیان (همان، ۷۲۹-۷۳۱)،[۴] خبر دادن امام عسکری از پرسش‌های یکی از شیعیان (همان، ۷۳۳)،[۵] خبر دادن امام عسکری از دروغ مدعی فقر (همان، ۷۳۳-۷۳۵)،[۶] خبر دادن امام زمان از انگیزه دزد اموال امانتی شیعیان (همان، ۷۵۱)،[۷] آگاهی امام زمان از ناخالص بودن دستبند اهدایی (همان، ۷۵۱)،[۸] آگاهی امام زمان از بدهی شخصی به پسرعموهایش (همان، ۷۵۰)،[۹] آگاهی امام زمان از درخواست فردی برای دیدن وی در مسجد (همان، ۷۵۱)،[۱۰] آگاهی امام زمان از قرمطی بودن نویسندهٔ نامه به او (همان، ۷۵۱)،[۱۱] آگاهی امام زمان از نیت قلبی یکی از شیعیان (همان، ۷۵۴)،[۱۲] آگاهی امام زمان از میزان ارث شخص درگذشته (همان، ۷۵۴)،[۱۳] آگاهی امام زمان از میزان ودیعهٔ شخص درگذشته (همان، ۷۵۶)،[۱۴] آگاهی امام زمان به فراموشی یکی از شیعیان درباره شمشیر اهدایی (همان، ۷۵۶)،[۱۵] آگاهی امام زمان از میزان هدیه یکی از شیعیان (همان، ۷۵۶)[۱۶] و آگاهی امام زمان از میزان بدهی یکی از شیعیان (همان، ۷۵۸).[۱۷]

---

۱. «مات الواثقُ و قد قعد المتوکلُ جعفرٌ و قد قُتِل ابنُ الزّیّات. قلتُ متی جُعِلتُ فداک؟ فقال: بعد خروجکَ بستةِ ایامٍ».
۲. «قال له: اَما اِنّ المجلسَ الذی ترید الاجتماعَ معه علیه، لا تجتمعُ علیه انتَ و هو اَبداً».
۳. «اردتُ ان تسألَ عن الخلفِ بعد ابی جعفرٍ و قَلِقتَ لذلک».
۴. «فقال صدقتَ ولکنّا علی امرٍ قد جرینا علیه».
۵. «فجاء الجوابُ: سألتَ عن القائم؟».
۶. «قال: تَحلِفُ بالله کاذباً و قد دفنت مائتَی دینارٍ».
۷. «حتی قصَّ علَّ جمیع ما مکعی و ذکذ فی جُملتِهِ شیئاً لَم اُحطِ به عِلماً».
۸. «فقُبِلَت و رُدَّ علیَّ السِّوار».
۹. «قیل له: اُخرِ حقَّ وَلَدَ عمِّکَ منهُ و هو اربعُمائةِ درهمٍ».
۱۰. «جلستُ عندهُ ثلاثة ایامٍ فاستأذَنتُه فی الزّیارةِ من داخل الدّار فأذِنَ لی فزُرتُ لیلاً».
۱۱. «نظرنا فاِذا ذلک الرّجلُ قد تحوَّل قرمَطِیّاً».
۱۲. «لیس فینا شکٌّ و لا فیمن یقومُ مقامَنا بأمرنا».
۱۳. «فقضانی الناس الّا رجلاً واحداً و کانت علیه سُفتَجةٌ باربعمائة دینارٍ».
۱۴. «ورد علیَّ من العراقِ: اَن وجّهِ السّبعَ مائة دینارٍ الّتی لنا قِبَلَک من ثمنِ الشّهری و السیفِ و المنطقة».
۱۵. «ما خبرُ السّیفِ الذی اُنسیتَه؟».
۱۶. «صلَت خمسُ مائة درهمٍ، لک مِنها عشرونَ درهماً».
۱۷. « قبَضِ الحوانیتُ من محمد بن هارون بالخمس مائة دینارٍ التی لنا علیه».

۲-۱-۳. آگاهی از آینده (فرجام‌دانی)

در این بخش، روایت‌های مربوط به آگاهی از فرجام کارها، مانند علم به آجال و پیشگویی رویدادهای آینده (علم منایا و بلایا) بررسی شده است. در *الاختصاص* سه روایت (۵/۴۵ درصد) از روایات معجزات، دربارهٔ آگاهی از آینده آمده است؛ مانند خبر امام علی از کشته شدن خوارج (مفید، ۱۳۹۲: ۲۴۷)،[۱] خبر امام علی از پرچم‌داری حبیب‌بن جماز در جنگ با امام حسین (همان، ۴۷۱)[۲] و آگاهی امام کاظم از زمان مرگ دو برادر که با هم دشمنی داشتند (همان، ۱۵۷).[۳]

در کتاب *الارشاد* ۶۱ روایت (۵۲/۱۴ درصد) از مجموع روایات معجزات، درباره آگاهی از آینده آمده که چنین است؛ سه روایت درباره خبر امام علی از شهادتش به دست ابن‌ملجم (مفید، ۱۳۸۸: ۲۴/۱، ۲۵، ۲۶)،[۴] دَه روایت درباره خبر امام علی از چگونگی شهادتش (همان، ۲۶-۲۸، ۳۵۶، ۳۵۸)،[۵] سه روایت درباره خبر امام علی از زمان شهادتش (همان، ۳۵۶، ۳۵۸)،[۶] خبر امام علی از جنگ با سه گروه ناکثین و قاسطین و مارقین (همان، ۳۵۰)،[۷] خبر امام علی از بیعت و شهادت هزار نفر در رکاب او (همان، ۳۵۲)،[۸] خبر دادن امام علی از مجبور کردن مردم به دشنام دادن به او (همان، ۳۵۹)،[۹] خبر دادن امام علی از به حکومت رسیدن یوسف‌بن عمر (همان، ۳۵۹)،[۱۰] خبر امام علی از چگونگی کشته شدن جویریةبن مسهر (همان، ۳۶۰)،[۱۱] خبر امام علی

---

۱. «و ما روی الناس من عجائبه فی اخباره عن الخوارج و قتلهم».

۲. «فوالله ما مات خالد بن عرفطه حتی بعث عمر بن سعد الی الحسین بن علی و جعل خالد بن عرفطه علی مقدمته و حبیب بن جماز صاحب رایته».

۳. «قال کان اجلک قد حضر حتی وصلت عمتک بما وصلتها به فأنسی الله فی اجبلک عشرین سنة».

۴. «فردّه مرتین او ثلاثاً ثمَّ بایَعه، فقال عند بیعته: ما یحبسُ أشقاها؟»؛ « اِمض یا ابن ملجم فوالله ما اری أن تفی بما قلت»؛ «انا اعلمُ انّک قاتِلی».

۵. «ما یَمنَعُ اشقاها ان یَخضِبَها مِن فوقها بدمٍ»؛ « انّکم حاج العام صفا واحداً، و آیهٔ ذلک: انّی لستُ فیکم»؛ «یأتینی امرٌ الله و انا خمیصٌ، انّما هی لیلةٌ او لیلتان»؛ «رسول الله یُشیرُ الیَّ بکفِّهِ و یقول: یا علیُّ هَلُمَّ الینا فأنّ ما عندنا هو خیرٌ لک»؛ «یقولون: قتل امیرالمومنین! قتل امیرالمومنین»؛ «انّی مقتولٌ لو قد اصبحتُ»؛ « اشدد حیاز یمک للموت فان الموت لاقیکا و لا تجزع من الموتِ اذا حلَّ بوادیکا»؛ «تَخضبنَّ هذه من هذا»؛ «لیخضبنها من فوقها»؛ «یخضبها من فوقها بدم»؛ «مقتولٌ قتلاً ضربةً علی هذا و تخضب هذه».

۶. «إنّکم حاجّوا العام صفّا واحداً و آیهٔ ذلک انّی لست فیکم»؛ «یأتی أمر الله و أنا خمیص»؛ «لترکوهنّ فإنّهن نواثح».

۷. «أُمِرتُ بقتال النّاکثین و القاسطین و المارقین».

۸. «أتیکم من قبل الکوفة ألف رجلٍ لایزیدون رجلاً و لاینقصون رجلاً».

۹. «ستُعرضون من بعدی علی سبّی».

۱۰. «فیأخُذُ العُمّال العُمّال، رجلٌ یقالُ له یوسفُ بن عمر».

۱۱. «لنُعتَلَنَّ الی العُتُلِّ الزّنیمِ و لَیَقطَعَنَّ یدکَ و رِجلَکَ، ثمَّ لَیُصلَبَنَّک تحت جِذع کافرٍ».

از چگونگی شهادت میثم تمار (همان، ۳۶۰)،[۱] خبر امام علی از چگونگی شهادت رشید هجری (همان، ۳۶۴)،[۲] خبر امام علی از چگونگی کشته شدن مزرع‌بن عبدالله (همان، ۳۶۴)،[۳] خبر امام علی از چگونگی کشته شدن کمیل‌بن زیاد (همان، ۳۶۶)،[۴] خبر امام علی از چگونگی شهادت قنبر (همان، ۳۶۶)،[۵] خبر امام علی از پیشاهنگ شدن حبیب‌بن جماز در جنگ با امام حسین (همان، ۳۶۶)،[۶] خبر امام علی از شرکت عمربن سعد در شهادت امام حسین (همان، ۳۶۶)،[۷] خبر امام علی از یاری نکردن براءبن عازب به امام حسین (همان، ۳۶۸)،[۸] خبر امام علی از شهادت امام حسین در کربلا (همان، ۳۶۸)،[۹] خبر امام کاظم از شک هارون‌الرشید به علی‌بن یقطین درباره لباس اهدایی (همان، ۳۶۸)،[۱۰] خبر امام کاظم به علی‌بن یقطین درباره شک هارون به دست‌نماز او (همان، ۶۳۰)،[۱۱] خبر امام رضا از مرگ جعفربن یحیی برمکی (همان، ۶۶۵)،[۱۲] خبر امام رضا از کشته شدن یحیی‌بن خالد و هم‌جواری مرقد او در کنار قبر هارون (همان، ۶۶۷)،[۱۳] آگاهی امام رضا از دزدیده شدن لباس اهدایی به دعبل خزاعی (همان، ۶۷۳)،[۱۴] خبر امام رضا از برنامهٔ دیگران برای کشتن مأمون (همان، ۶۷۷)،[۱۵] خبر امام رضا از شکست سپاه هارون‌بن مسیّب (همان، ۶۷۹)[۱۶] و نیز دو روایت دربارهٔ خبر امام رضا از زاده شدن امام جواد (همان، ۶۸۹)،[۱۷] خبر امام جواد از

---

۱. «اِنّک توُخَذُ بعدی فتُصلَبُ و تُطعنُ بحربةٍ فأذا کان الیومُ الثالثُ ابتُدرَ مَنخِراکَ و فمُک دماً فیَخضِبُ لحیتَک، فانتَظِر ذلک الخِضابَ و تُصلَبُ علی باب دار عمروٍ بن حریثٍ عاشرِ عشرةٍ انتَ اَقصَرُهم خشَبَةً».

۲. «قال تقطعونَ یدیَّ و رِجلیَّ و تصلبوننی».

۳. «لَیوخَذَنَّ رجلٌ فلَیُقتَلَنَّ و لیُصلَبَنَّ بین شُرُفَتینِ من شُرَفِ هذا المسجدِ».

۴. «لقد خبَّرَنی امیرالمومنین ع اَنّک قاتِلی».

۵. «خبَّرنی امیرالمومنین ع انَّ مَنِیَّتی تکونُ ذبحاً ظلماً بغیر حق».

۶. «یقودَ جیشَ ضلالةٍ صاحبُ لوائِه حبیبُ بن جماز».

۷. «انّ فی بیتِک لَسَخَلاً یقتلُ ابنُ رسول الله».

۸. «یا براءُ یُقتلُ ابنی الحسینُ و انت حیٌّ لاتنصره».

۹. «هذا کربلاءُ یُقتلُ فیه قومٌ یدخلون الجنة بغیر حسابف ثم سار».

۱۰. «احتَفِظ بها و لا تُخرِجها عن یدِک فسیکونُ لک بها شأنٌ تحتاج الیها معه».

۱۱. «والذی اَمُرُک به فی ذلک اَن تَمَضمَض ثلاثاً و تستَنشِقَ ثلاثا و تغسِلَ وجهَک ثلاثاً و تُخلِّلَ شعرَ لِحیَتِکَ و تغسِلَ یدک الی المِرفَقینِ ثلاثاً و تمسحَ رأسکَ کلّه و تمسحَ ظاهرَ اُذنَیک و باطِنهما و تغسِلُ رجلَیکَ الی الکعبَینِ ثلاثاً و لا تُخالِف ذلک الی غیره».

۱۲. «قال: یا فارعُ و هادمُهُ یُقَطِّعُ اِرباً اِرباً».

۱۳. «مساکینُ لایدرونَ ما یحلُّ بهم فی هذه السّنة؟ ثمّ قال: و اَعجبُ مِن هذا هارونُ و انا کَهاتینِ و ضمَّ اِصبَعیهِ».

۱۴. «قال له: خُذها و بعث الیه بِجُبَّةٍ مِن ثیابه».

۱۵. «فلا اَری یا امیرالمومنینَ و لا للفضلِ اَن تدخُلا الحمّام».

۱۶. «لا تخرُج غداً فانّک اِن خرجتَ غداً هزمتَ و قُتِلَ اصحابُک».

۱۷. «یرزُقَنی الله ولداً ذکراً یُفَرِّقُ ین الحق و الباطل»؛ «ثمّ قال: هل یَجتَرءُ ان یقول: ابنی و لیس له ولدٌ؟».

زاده شدن امام هادی (همان، ۷۰۶)،[۱] خبر امام جواد از زمان شهادتش (همان، ۷۰۷-۷۰۹)[۲] و همچنین دو روایت با مضمون آگاهی امام هادی از زمان درگذشت محمدبن فرج (همان، ۷۱۲)،[۳] دو روایت با مضمون آگاهی امام هادی از زمان مرگ احمدبن خضیب (همان، ۷۱۲)،[۴] خبر امام عسکری از مرگ ابن‌معتز (همان، ۷۲۹)،[۵] آگاهی امام عسکری از ازدواج یکی از شیعیان در شهر سوراء (همان، ۷۳۰)،[۶] خبر امام عسکری از امنیت جان یکی از شیعیان در سفر حج (همان، ۷۳۰)،[۷] خبر امام عسکری از پیروزی متوکل بر متجاوزان به قصرش (همان، ۷۳۲)،[۸] خبر امام عسکری از آزادی ابوهاشم جعفری از زندان (همان، ۷۳۲)،[۹] آگاهی امام عسکری از مرگ اسب علی‌بن زید (همان، ۷۳۵)،[۱۰] خبر دادن امام عسکری از زمان مرگ مهتدی (همان، ۷۳۵)،[۱۱] آگاهی امام زمان از مرگ فرزند قاسم‌بن علاء (همان، ۷۵۰)،[۱۲] آگاهی امام زمان از رسیدن ابوعبدالله صالح به قافله مکه (همان، ۷۵۱)،[۱۳] آگاهی امام زمان از غارت قافله و کشتی عازم یمن (همان، ۷۵۱)،[۱۴] آگاهی امام زمان از زمان سفر حسین‌بن فضل به حج (همان، ۷۵۱)،[۱۵] آگاهی امام زمان از پرداخت سفته‌های غریم (همان، ۷۵۴)،[۱۶] آگاهی امام زمان به مرگ فرزند یکی از شیعیان (همان، ۷۵۶)،[۱۷] آگاهی امام زمان از مرگ جنید (همان، ۷۵۶)،[۱۸] آگاهی امام زمان از زمان

---

۱. «انت خارجٌ فإلی من بعدی الی ابنی علیّ ع».
۲. «یقول لک: انّی ماضٍ و الامرُ صائرٌ الی ابنی علیٍّ و له علیکم بعدی ما کان لی علیکم بعد ابی».
۳. «فَإنّ فیه فرجک ان شاء اللهُ فخرج فلم یلبَث الّا یسیراً حتی مات»؛ «فحدّثنی اَنّ ابالحسن ع قد اَنفذَ الیه بثَوبٍ و اَرانیه مُدرَجاً تحت رأسه، قال: فکَفِّنَ و الله فیه».
۴. «فقال له الحسنِ ع: انتَ المقدِّمُ»؛ «لاَقعُدَنّ بک من الله مقعداً لا تبقی لک معه باقیةً فاَخذه اللهُ فی تلک الایام».
۵. «فکتب الیه : لیس هذا الحادثَ الحادثُ الآخرُ فکان من المعتزّ ما کان».
۶. «لا تخرُجُ الی الجبلِ و صِر الی سوراءَ قال: فصار الی سَوراءة و تزوّج بأمراةٍ منها».
۷. «اِمضوا فلا خوفَ علیکما اِن شاء اللهُ فمضی مَن بقیَ سالمینَ و لم یجدواً عطشاً».
۸. «فکتب الیه: تکفونهم ان شاء الله».
۹. «فکتب الیَّ: انتَ تُصلّی الیومَ الظّهرَ فی منزلک».
۱۰. «فقال لی: اِستَبدِل به قبلَ المساء اِن قدَرتَ علی مُشتَرٍ لا توخِّر ذلک».
۱۱. «ذلک اَقصَرُ لعمره، عُدّ من یومک هذا خمسة ایامٍ».
۱۲. «فلما وُلد لی الحسینُ ابنی کتبتُ اَسألُ الدّعاءَ فاُجِبتُ فبقیَ».
۱۳. «أذِن لی بالخروج یوم الاربعاء و قیل لی: اُخرُج فیه».
۱۴. «فخرجَ: لا تخرُج معهم فلیس لک فی الخروج معهم خیرةٌ».
۱۵. «فاَمّا الثّوبَ فخُذهُ لِتُحرِم فیه».
۱۶. «فکتب الیَّ: طالِبُهُم و اِستَقضِ علیهم».
۱۷. «وُلِد لی ولدٌ فکتبتُ اَستأذِنُ فی تطهیره یوم السّابعِ فوردَ لا تفعل، فمات یومَ السّابعِ».
۱۸. «فلم یَرِد فی امرِ الجُنیدِ شیءٌ، قال: فاغتممتُ لذلک فورد نعیُ الجُنیدِ بعد ذلک».

مرگ علی‌بن زیاد (همان، ۷۵۸)[۱] و آگاهی امام زمان از توطئهٔ خلیفه برای دستگیری شیعیانی که به زیارت مقابر قریش می‌رفتند (همان، ۷۵۸).[۲]

۲-۲. معجزات تکوینی (پدیدگانی)

معجزات تکوینی (پدیدگانی) دسته‌ای از معجزات‌اند که به کارهای تکوینی امام، مانند دخل و تصرف و تدبیر و تأثیر در هستی و کائنات و بر هم زدن نظم عادی آن می‌پردازند. این دسته از معجزات درباره پدیداری چیزی از غیب، یا تبدیل چیزی به چیزی یا دگرگونی در فرایند طبیعی چیزی است؛ مانند آشکار کردن سرمایه‌های درونی زمین (نظیر چشمه، گنج‌ها، باغ و دریا)، طی الارض (جابه‌جایی مکانی مانند نور)، زنده کردن مردگان، شفای بیماری‌ها، معجزات تنبیهی، استجابت دعا، دیدن جن‌ها و ارتباط با آنان و دیدن مردگان در عالم برزخ. این گونه‌ها در دو زیرشاخهٔ «جانداران» و «بی‌جانان» دسته‌بندی می‌شود. روایت‌های معجزات تکوینی، در *الاختصاص* ۲۶ روایت (۴۷/۲۷٪) از مجموع روایات معجزات و در *الارشاد* ۲۱ روایت (۱۷/۹۴٪) از مجموع روایات معجزات است.

۲-۲-۱. جانداران

نخستین گونه از معجزات تکوینی، مربوط به پدیداری از غیب یا دگرگونی در فرایند طبیعی موجودات جاندار (دارای جان و اراده) مانند «انسان‌ها، حیوانات، مردگان و جن‌ها» است؛ همچون «شفای بیماران، دیدن مردگان و جن‌ها، طی الارض و معجزات تنبیهی». در کتاب *الاختصاص* ۱۵ مورد (۲۷/۲۷٪) از روایاتِ معجزات تکوینی درباره جانداران است: سه روایت در زمینهٔ نشان دادن امام علی(ع) پیامبر را پس از درگذشت به صورت زنده در مسجد و سخن گفتن با ابوبکر (مفید، ۱۳۹۲: ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۱)،[۳] دو روایت درباره بیرون آمدن دست پیامبر از خاک برای تأیید درستی سخن امام علی (همان، ۴۶۰، ۴۶۳)،[۴] دو روایت درباره دیدن معاویه پس از مرگ او به

---

۱. «انّک تحتاجُ الیه فی سنة ثمانین فمات فی سنة ثمانین و بعث الیه بالکفن قبل موته».

۲. «قال: خرج نهیٌ عن زیارة مقابرِ قریشٍ الحائرِ علی ساکنیهماَ السلامُ».

۳. «فإذا رسول الله جالس فی القبله»؛ «فاذا رسول الله انی قلت لابی بکر: اما امرک رسول الله ان تطیعنی؟»؛ «فأدخله مسجد قبا فاذا هو برسول الله فی مسجد قبا فقال له: اعتزل عن ظلم امیرالمومنین».

۴. «فانطلق معه حتی اتی القبر اذا کف فیها مکتوب (اکفرت یا عمر بالذی خلقک من تراب ثم من نطفة ثم سویک رجلا»؛ « فخرجت ید من قبر رسول الله یعرفون انها یده، و صوت یعرفون انه صوته».

صورت زنده توسط امام باقر (همان، ۴۶۳، ۴۶۵)،[۱] دیدن ابوبکر و عمر در رمی جمرات به صورت زنده توسط امام باقر (همان، ۴۶۵-۴۶۶)،[۲] زنده کردن و بیرون آوردن امام صادق شیرهای درون تصویر را (همان، ۴۱۳)،[۳] سه روایت در زمینه دیدن معاویه پس از مرگ او به صورت زنده توسط امام صادق (همان، ۴۶۵-۴۶۶)،[۴] دو روایت درباره طی الارض معلی‌بن خنیس توسط امام صادق (همان، ۵۴۵، ۵۴۹)[۵] و طی الارض اسحاق‌بن جلاب از سوی امام کاظم (همان، ۵۵۱).[۶]

در کتاب *الارشاد* نیز ۱۵ روایت (۱۲/۸۲٪) از گزارش‌های معجزات تکوینی، درباره جانداران است: دیوانه شدن به واسطه نفرین امام علی(ع) (مفید، ۱۳۸۸: ۳۵۹/۱)،[۷] دیدن امام علی جن‌های کافر را و نبرد با آنان (همان، ۳۷۷-۳۷۹)،[۸] کور شدن به واسطه نفرین امام علی (همان، ۳۸۷)،[۹] پیسی گرفتن به دلیل نفرین امام علی (همان، ۳۸۹)،[۱۰] کور شدن به دلیل شهادت ندادن به سخن پیامبر درباره امام علی (همان، ۳۸۹)،[۱۱] دیوانه شدن تمسخرکنندهٔ امام علی (همان، ۳۸۹)،[۱۲] مرگ افترازننده به امام صادق (همان، ۵۸۵-۵۸۷)،[۱۳] مرگ با نفرین امام صادق (همان، ۵۸۷)،[۱۴] طی الارض دادن شخص زندانی توسط امام جواد (همان، ۶۹۹)،[۱۵] از بین رفتن اشتها به سبب

---

۱. «فقال الرجل لاتسقه لاسقاه الله و کان معاویه لعنه الله»؛ «فقال مرّ بی معاویه بن ابی‌سفیان یجر سلسلته قد دلع لسانه».
۲. «اذا کان کل موسم اخرجا الفاسقان غضین طریین فصلباها هنا لایراهنما الا امام عدل».
۳. «ثم نادی یرفع صوته قسوره، فوثب کل واحد منهم علی صاحبه».
۴. «قال له ضجنان اذ جاء رجل فی عنقه سلسلة یجرها فاقبل علی فقال اسقنی اسقنی»؛ « فنفرت بغلته فاذا رجل فی عنقه سلسلة و طرفها فی ید آخر یجره»؛ « خرج علینا رجل فی عنقه سلسلة یسحبها فقال یا ابن رسول الله اسقنی سقاک الله».
۵. «فَمَسَحتُ وجهَه فقلتُ: این تَراک؟ فقال: ارانی فی بیتی»؛ «فاصرِف وجهکَ فصرفتُ وجهی، ثم قال: اقبَل بوجهکَ فأذا داری».
۶. «فلما کان فی السحرُ اتانی فقال یا اسحاق قم، قال فقمت و فتحتُ عینی فأذا انا علی بابی ببغداد».
۷. «فبقی بُسرٌ حتی اختلط».
۸. «فظهر للقومِ اشخاصٌ علی صوری الزّطّ تُخیَّلُ فی ایدهم شُعَلُ النارِ قدِ اطمأنّوا بِجَنباتِ الوادی فَتَوَغَّلَ امیرالمومنین ع بطنَ الوادی».
۹. «قال له امیرالمومنین ع: اِن کنتَ کاذباً فاعمی الله بصرک».
۱۰. «فقال امیرالمومنین ع اللهم اِن کاذباً فاضرِبه ببیاضٍ اَو بوضحٍ لاتُواریه العِمامةُ».
۱۱. «کنتُ انا فیمن سمع ذلک فکتمته، فذهبَ الله ببصری».
۱۲. «فلم یَبرَح مکانَه حتی تخبَّطَه الشیطانُ».
۱۳. «فما برِح حتی ضربَ برِجلِه».
۱۴. «أما و الله لأدعُوَنّ اللهَ علیک».
۱۵. «قُل للذی اُخرَجَک من الشّامِ فی لیلةٍ الی الکوفةِ و مِن الکوفة الی المدینةِ و مِن المدینة الی مکةَ و ردّک مِن مکةَ الی الشام اَن یُخرِجکَ مِن حبسِ کهذا».

خوردن گِل با دعای امام جواد (همان، ۷۰۱)،[۱] شفای زیدبن علی‌بن حسین‌بن زید از بیماری به خواست امام هادی (همان، ۷۱۵)،[۲] شفای متوکل از بیماری به خواست امام هادی (همان، ۷۱۱–۷۱۳)،[۳] رام شدن قاطر چموش و آسیب نرساندن به امام عسکری (همان، ۷۳۱)،[۴] رام شدن درندگان توسط امام عسکری و آسیب نرساندن به او (همان، ۷۳۵–۷۳۷)[۵] و شفا یافتن محمدبن یوسف به خواست امام زمان (همان، ۷۵۳).[۶]

۲–۲–۲. بی‌جانان

سنخ دیگر معجزات تکوینی، معجزاتی است که درباره پیدایش از غیب یا تغییر در نظام علّی و معلولی چیزهای بی‌جان (بی‌اراده) طبیعت، همچون گیاهان و جمادات و دیگر پدیده‌های طبیعی مانند کوه و دریا و غیره است؛ مانند «تبدیل ریگ به جواهر، بیرون آوردن چشمه و طلا و دینار از زیر زمین، حرکت دادن جماد، کوه‌ها و غیره. تعداد این‌گونه گزارش‌ها در *الاختصاص* ۱۱ مورد (۲۰٪) از مجموع روایت‌های معجزات است: بسته شدن درب به فرمان امام علی (مفید، ۱۳۹۲: ۲۷۴–۲۷۵)،[۷] ظاهر کردن امام علی چشمه را در بیابان کربلا (همان، ۳۷۳)،[۸] تبدیل امام علی ریگ را به جواهر (همان، ۴۵۴)،[۹] بیرون آوردن امام علی سه دینار از زیر زمین با تازیانه (همان، ۴۵۵)،[۱۰] ظاهر کردن امام باقر طلا را از زیر زمین (همان، ۴۵۶–۴۵۷)،[۱۱] بیرون آوردن امام صادق گنج را از زیر زمین (همان، ۴۵۲)،[۱۲] ظاهر کردن امام صادق چشمهٔ بهشتی را در زمین پشت شهر مدینه (همان، ۵۴۵)،[۱۳] ظاهر کردن امام صادق دریا را از زیر زمین (همان، ۵۵۲)،[۱۴] حرکت کوه‌ها

---

۱. «یا اباهاشمٍ قد اَذهبَ اللهُ عنک آکل الطّینِ».
۲. «خذ هذا الدّواءَ کذا و کذا یوماً فأخذتُه فشرِبتُ فبرأتُ».
۳. «فانفتحَ و خرج ما کان فیه».
۴. «حمله علی الهَملَجَةِ فمشی احسنَ مشیٍ».
۵. «فوجدوه ع قائماً یُصلی و هی حَولَه فأمرَ باِخراجِهِ الی داره».
۶. «فما اَتت علیَّ جمعةٌ حتی عوفیتُ و صار المَوضعُ مثل راحتی».
۷. «یا باب استمسک علیهم، فاستمسک علیهم الباب».
۸. «اذا تحته عین من ماء من اعذب ما طعمته».
۹. «ثم قبض قبضة من الحصی فاذا هی جواهر».
۱۰. «فخط بسوطه خطة فاخرج دینارا، ثم خط خطة اخری فاخرج دینارا حتی اخرج ثلاثة دنانیر».
۱۱. «فضرب برجله فذا شبیه بعنق البعیر قد خرج من ذهب».
۱۲. «قال باحدی رجلیه فخطها فی الارض خطا فانفرجت الارض ثم قال بیده اخرج سبیکة ذهب قدر شبر فتناوله».
۱۳. «ثم ضرب برجله فنظرتُ الی نهرٍ یجری من جانبه هذا ماءٌ ابیضُ من الثَّلج».
۱۴. «اِرکُض برِجلِک الارض فأذا بحر تلک الارض علی حافیتَها فرسانٌ».

به خواست امام صادق (همان، ۵۵۳)،[۱] ظاهر کردن امام کاظم باغ و بوستان را در کاروان‌سرا (همان، ۵۵۱)[۲] و بیرون آوردن امام رضا گنج را از زیر زمین (همان، ۴۵۴).[۳]

در *الارشاد* شش روایت (۵/۱۲٪) از روایات معجزات تکوینی، مانند ظاهر کردن امام علی چشمهٔ آب را در بیابان کربلا (مفید، ۱۳۸۸: ۳۷۱/۱)،[۴] ردّ الشمس توسط امام علی (همان، ۳۸۳)،[۵] راه رفتن درخت به سوی امام کاظم (همان، ۶۲۷–۶۲۹)،[۶] بیرون آوردن امام رضا طلا را از زیر زمین با تازیانه (همان، ۶۶۷)،[۷] میوه دادن درخت خشک به خواست امام جواد (همان، ۶۹۹)[۸] و بیرون آوردن امام عسکری طلا را از زیر زمین (همان، ۷۳۱)،[۹] دربارهٔ بی‌جانان آمده است.

۲–۳. جدول و نمودار گونه‌های معجزات

برای دستیابی به نتایج گونه‌شناسی باید فراوانی و درصد فراوانی این گونه‌ها با یکدیگر مقایسه شود. فراوانی و درصد فراوانی گزارش‌های هر یک از گونه‌های اصلی و فرعی معجزات امامان در *الاختصاص* و *الارشاد* چنین است.

جدول شمارهٔ ۱. فراوانی و درصد گونه‌های اصلی معجزات در الاختصاص و الارشاد

گونه اصلی در الاختصاص	فراوانی	درصد	گونه اصلی در الارشاد	فراوانی	درصد
علم غیب	۲۹	۵۲/۷۳	علم غیب	۹۶	۸۲/۰۶
تکوینی	۲۶	۴۷/۲۷	تکوینی	۲۱	۱۷/۹۴
مجموع	۵۵	۱۰۰	مجموع	۱۱۷	۱۰۰

۱. «فنظرتُ الی الجبال قد اقبلت فقال لها علی رسلک انّی لم أردکَ».
۲. «ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ وَ قَالَ أُنْظُرْ فَنَظَرْتُ فَإِذَا أَنَا بِرَوْضَاتٍ أُنِقَاتٍ وَ رَوْضَاتٍ نَاضِرَاتٍ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ عَطِرَاتٌ وَ وِلْدَانٌ كَأَنَّهُنَّ اَللُّؤْلُؤُ اَلْمَكْنُونُ وَ أَطْيَارٌ وَ ظِبَاءٌ وَ أَنْهَارٌ تَفُورُ فَحَارَ بَصَرِي وَالِهاً وَ حَسِرَتْ عَيْنِي».
۳. «فحکّ بسوطه الارض حکا شدیدا ثم ضرب بیده فتناول منها سبیکة ذهب».
۴. «فلما زالت عن مکانها ظهر لهم بیاض الماء، فتبادروا الیه فشربوا منه».
۵. «فسأل امیرالمومنین ع اللهَ عزَّ اسمُه فی ردِّ الشمسِ فرُدّتْت علیه حتی صارت فی مَوضعها من السماء».
۶. «قال: فأتیتُها فرأیتُها و الله تخُدُّ الارضَ خداً حتی وقفت بین یدیه».
۷. «فحکَّ بسَوطِهِ الارضَ حکا شدیداً ثمّ ضرب بیده، فتناول مِنهُ سبیکة ذهبٍ».
۸. «قد حملت حملاً حسناً فتعجّبوا مِن ذلک و اَکلوا منها».
۹. «فحکَّ بسَوطه الارض فاخرجَ منها سبیکةً فیها نحوُ خمسِ مائةِ دینارٍ».

جدول شمارهٔ ۲. فراوانی و درصد گونه‌های فرعی معجزات علم غیب در الاختصاص و الارشاد

الاختصاص				الارشاد			
گونه اصلی	گونه فرعی	فراوانی	درصد	گونه اصلی	گونه فرعی	فراوانی	درصد
علم غیب	دانستن همهٔ زبان‌ها	۱۹	۶۵/۵۲	علم غیب	دانستن همه زبان‌ها	۵	۵/۲۰
	آگاهی از کارهای پنهان زندگی انسان‌ها	۷	۲۴/۱۴		آگاهی از کارهای پنهان زندگی انسان‌ها	۳۰	۳۱/۲۵
	آگاهی از آینده	۳	۱۰/۳۴		آگاهی از آینده	۶۱	۶۳/۵۵
مجموع		۲۹	۱۰۰	**مجموع**		۹۶	۱۰۰

جدول شمارهٔ ۳. فراوانی و درصد گونه‌های فرعی معجزات تکوینی در الاختصاص و الارشاد

الاختصاص				الارشاد			
گونه اصلی	گونه فرعی	فراوانی	درصد	گونه اصلی	گونه فرعی	فراوانی	درصد
تکوینی	جانداران	۱۵	۵۷/۷۰	تکوینی	جانداران	۱۵	۷۱/۴۳
	بی‌جانان	۱۱	۴۲/۳۰		بی‌جانان	۶	۲۸/۵۷
مجموع		۲۶	۱۰۰	**مجموع**		۲۱	۱۰۰

جدول شمارهٔ ۴. فراوانی و درصد گونه‌های فرعی معجزات در الاختصاص و الارشاد

الاختصاص				الارشاد			
گونه اصلی	گونه فرعی	فراوانی	درصد	گونه اصلی	گونه فرعی	فراوانی	درصد
علم غیب	دانستن همهٔ زبان‌ها	۱۹	۳۴/۵۵	علم غیب	دانستن همه زبان‌ها	۵	۴/۲۷
	آگاهی از کارهای پنهان زندگی انسان‌ها	۷	۱۲/۷۳		آگاهی از کارهای پنهان زندگی انسان‌ها	۳۰	۲۵/۶۵
	آگاهی از آینده	۳	۵/۴۵		آگاهی از آینده	۶۱	۵۲/۱۴
تکوینی	جانداران	۱۵	۲۷/۲۷	تکوینی	جانداران	۱۵	۱۲/۸۲
	بی‌جانان	۱۱	۲۰		بی‌جانان	۶	۵/۱۲
مجموع		۵۵	۱۰۰	**مجموع**		۱۱۷	۱۰۰

نمودار شمارهٔ ۱. درصد فراوانی گونه‌های اصلی معجزات در *الاختصاص*

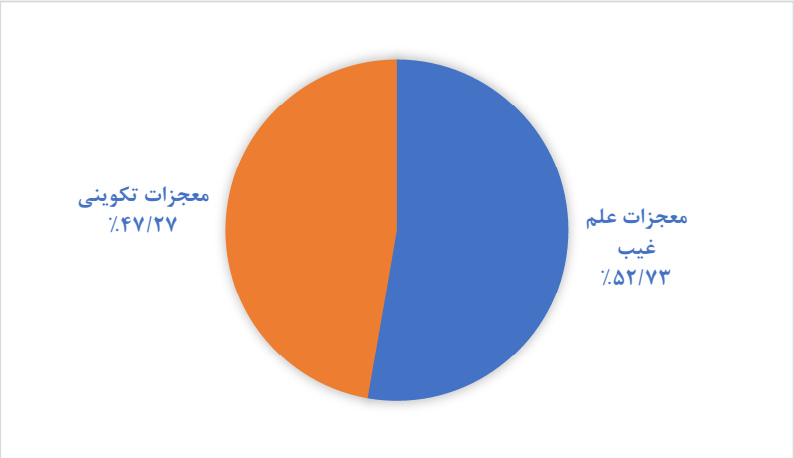

نمودار شمارهٔ ۲. درصد فراوانی گونه‌های اصلی معجزات در *الارشاد*

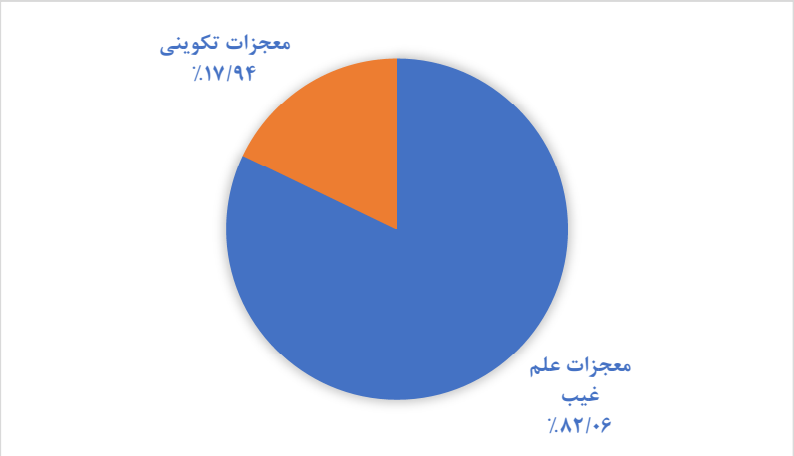

نمودار شمارهٔ ۳. درصد فراوانی گونه‌های فرعی معجزات در *الاختصاص*

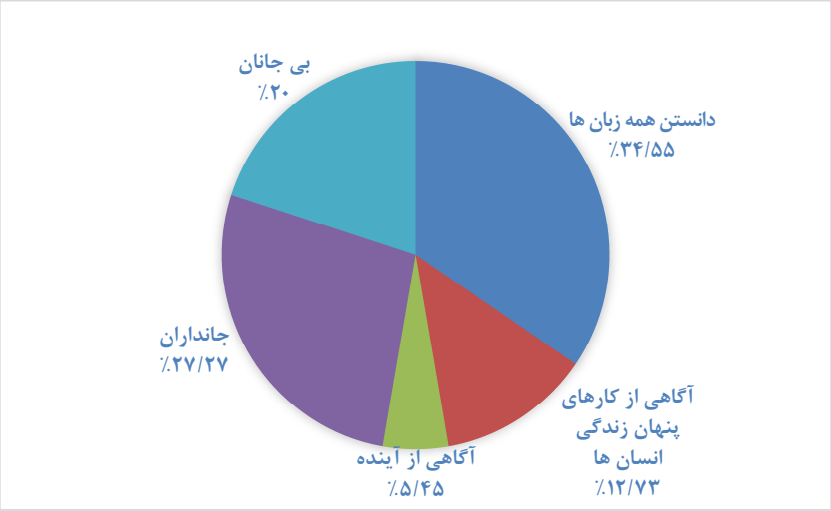

نمودار شمارهٔ ۴. درصد فراوانی گونه‌های فرعی معجزات در الارشاد

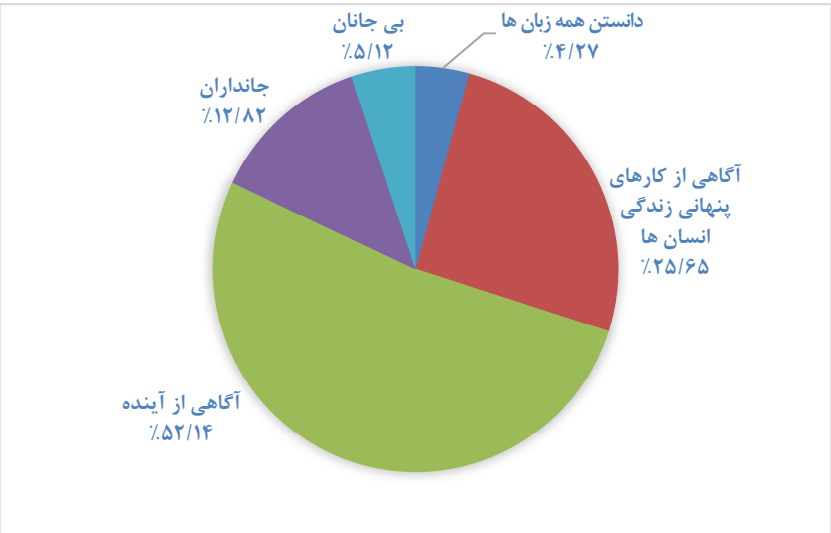

نتیجه‌گیری

دستیابی به درستی انتساب کتاب *الاختصاص* به شیخ مفید، از رهگذر مقایسه و فراوانی‌سنجی معجزات منسوب به امامان در دو کتاب *الاختصاص* و *الارشاد*، با به کارگیری رویکرد کمّی گونه‌شناسی، خواستهٔ این پژوهش بود که با بررسی روایت‌های معجزات دو کتاب و گونه‌شناسی آنها در دو گونه معجزات علم غیب و معجزات تکوینی، کانون‌مندی و پراکندگی معجزات این دو کتاب آشکار شد.

فراوانی‌سنجی گونه‌های معجزات در *الاختصاص* و *الارشاد*، حاکی از تفاوت چشمگیر سهم فراوانی و میزان هر گونه در دو کتاب بود؛ چنان‌که براساس جدول شمارهٔ ۱، در کتاب *الاختصاص* از ۵۵ روایت معجزات، ۲۹ روایت (۵۲/۷۳٪) درباره معجزات علم غیب (رازدانی) و در کتاب *الارشاد* از ۱۱۷ روایت معجزات، ۹۶ روایت (۸۲/۰۶٪) درباره معجزات علم غیب بود و در جدول شماره ۴، در گونه‌های فرعی معجزات علم غیب، بیشینهٔ فراوانی معجزات در *الاختصاص* ۱۹ روایت (۳۴/۵۵٪) در زمینه دانستن همه زبان‌ها و در *الارشاد* با ۶۱ روایت (۵۲/۱۴٪) درباره آگاهی از آینده بود.

همچنین گزارش‌های معجزات در گونهٔ معجزات تکوینی (پدیدگانی) که به چیزهایی چون قدرت امامان در دخل و تصرف و تأثیر در طبیعت موجودات و نظم علّی و معلولی آنها اختصاص می‌یابد، براساس جدول شمارهٔ ۱، در *الاختصاص* از ۵۵ روایت معجزات، ۲۶ روایت (۴۷/۲۷٪) و در *الارشاد* از ۱۱۷ روایت معجزات، ۲۱ روایت (۱۷/۹۴٪) را در برمی‌گیرد؛ درحالی‌که روایات معجزات تکوینی در منابعی چون *بصائر الدرجات*، *الهدایة الکبری*، *دلائل الامامه* و *نوادر المعجزات*، درصد بسیار فراوانی از روایات معجزات را پوشش می‌دهد که نشان می‌دهد گزارش گونه‌ها با نسبت‌سنجی بین اندیشه‌های کلامی شیخ مفید معنی‌دار است.

بر پایهٔ آثار شیخ مفید و رویکرد عقلی او، می‌توان گفت کتاب *الارشاد* با مبانی علمی مفید سازگار است و نشان‌دهندهٔ تفاوت اندیشه او نسبت به پیشینیان است؛ زیرا مفید برای تقویت عقل‌گرایی و رویارویی با نص‌گرایی، از عقل در نقد حدیث کمک گرفته و نوشته است: «اگر حدیثی با حکم عقل ناسازگار باشد، آن را به حکم عقل به فساد آن، کنار می‌گذاریم» (مفید، ۱۴۱۳[ج]: ۱۴۹)[۱] و بر پایهٔ همین باور، در پی یافتن الگویی برای پالایش منابع روایی شیعه از

۱. «و کذلک إن وجدنا حدیثنا یخالف احکام العقول أطرحنا لقضیة العقل بفساده».

تحریف، جبر، تشبیه و غلو بود (مصطفوی‌فرد و شه‌گلی: ۱۳۹۹: ۲۹۰). حال آنکه این سنجه، در نقل روایات معجزات تکوینی در کتاب *الاختصاص* دیده نمی‌شود و فراوانی معجزات تکوینی در این کتاب بسیار زیاد است.

این تفاوتِ آشکار، در فراوانی گزارش‌های معجزات علم غیب نیز به چشم می‌خورد و رویکرد عقل‌گرایانهٔ مفید در گزینش آنها هویدا است، اما در آثار پیش از مفید، احادیث بسیاری درباره علم امام به همه صنایع و آگاهی امام به همه زبان‌های زنده دنیا هست و در بین امامیه، کمتر مخالف بزرگ شناخته‌شده‌ای بوده است، ولی مفید به صراحت دیدگاه خود را آورده و آن را امری فاسد دانسته است و با این دلیل عقلی-کلامی که «چنین علمی تنها شایسته کسی است که علم ذاتی دارد و آن تنها برای خداوند است» (مفید، ۱۳۷۲: ۶۷؛ صفری فروشانی، ۱۳۸۶: ۲۳)،[۱] تأثیر این نوع نگرش در گزارش معجزه «دانستن همه زبان‌ها» در *الارشاد* به روشنی دیده می‌شود؛ زیرا تنها ۴/۲۷٪ از معجزات *الارشاد* و ۳۴/۵۵٪ معجزات *الاختصاص* را دربرمی‌گیرد.

این رهیافت با بررسی آثار مفید درباره معجزات امامان، هماهنگ است. مفید به عدم وجوب ظهور معجزات و اعلام به دست امامان، باور داشته و گفته است ظهور معجزات و اعلام به دست امامان، بر پایهٔ مبانی عقلی او در کلام شیعی ممتنع نیست و از نظر عقلی واجب هم نیست؛ گرچه روایات آن را تأیید می‌کند (مفید، ۱۳۷۲: ۶۸-۶۹؛ انصاری، ۱۳۹۶).[۲] او در گزینش روایات معجزات دقت داشته و از آوردن هر روایتی دوری می‌کرده است و در *الارشاد* از بین انبوه فراوان معجزات گزارش‌شده منابع شیعی، معجزاتی را آورده است که تا اندازه‌ای معقول و پذیرفتنی باشند.

---

۱. «فأما إطلاق القول علیهم بأنهم یعلمون الغیب فهو منکر بین الفساد لأن الوصف بذلک إنما یستحقه من علم الأشیاء بنفسه لا بعلم مستفاد و هذا لا یکون إلا الله عز و جل و علی قولی هذا جماعة أهل الإمامة إلا من شذ عنهم من المفوضة و من انتمی إلیهم من الغلاة».

۲. «القول فی الایحاء الی الائمة و ظهور الإعلام علیهم و المعجزات: و أقول: إن العقل لایمنع من نزول الوحی إلیهم وإن کانوا أئمة غیر أنبیاء... و إنما منعت من نزول الوحی علیهم و الإیحاء بالأشیاء إلیهم للاجماع علی المنع من ذلک و الاتفاق علی أنه من یزعم أن أحدا بعد نبینا(ص) یوحی إلیه فقد أخطأ و کفر... فأما ظهور المعجزات علیهم و الإعلام فإنه من الممکن الذی لیس بواجب عقلا و لا ممتنع قیاسا و قد جاءت بکونه منهم ع الأخبار علی التظاهر و الانتشار فقطعت علیه من جهة السمع و صحیح الآثار و معی فی هذا الباب جمهور اهل الإمامة و بنو نوبخت تخالف فیه و تأباه و کثیر من المنتمین إلی الإمامیة یوجبونه عقلا کما یوجبونه للأنبیاء. و المعتزله بأسرها علی خلافنا جمیعا فیه سوی ابن الأخشید و من اتبعه یذهبون فیه الی الجواز و أصحاب الحدیث کافة تجوزه لکل صالح من أهل التقی و الإیمان».

روایت‌های معجزات در دو کتاب *الاختصاص* و *الارشاد*، تفاوت بنیادی و معنی‌داری دارند؛ زیرا گزارش معجزات علم غیب و تکوینی، نشانگر ناسازگاری روایت معجزات *الاختصاص* با اندیشه‌های کلامی مفید است و همچنین گونه‌های معجزات در *الاختصاص* و *الارشاد*، از نظم یکسانی برخوردار نیستند و گونه‌های معجزات در *الارشاد* با اندیشه‌های مفید همخوانی دارد. بنابراین باید گفت انتساب کتاب *الاختصاص* به مفید پذیرفتنی نیست.

منابع و مآخذ

- *القرآن الکریم*
- آقا بزرگ تهرانی، محمدمحسن (۱۴۰۳ق)، *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*، ج۱، بیروت: دار الاضواء.
- آقاگلی‌زاده، زینب، سید محمدهادی گرامی و حسن نقی‌زاده (۱۴۰۳)، «سیر تطور انگاره رجعت تا انتهای عصر غیبت صغری با تأکید بر آیات قیامت»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، س۱۶، ش۶۱، صص۷-۳۸.
- ابطحی، سید عبدالحمید (۱۳۹۳)، «تاریخ شکل‌گیری گفتمان تحدیث در شیعیان در نیمه نخست سده دوم قمری»، *فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام*، س۶، ش۲۲، صص۷-۳۱.
- ابن‌سینا، حسین (۱۴۰۴)، *الشفاء (الالهیات)*، تصحیح سعید زاید، قم: مکتبة آیت الله المرعشی.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۸)، *لسان العرب*، ج۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌قتیبه دینوری، أبی‌محمد عبدالله‌بن مسلم (۱۴۲۳)، *تأویل مشکل القرآن*، تحقیق احمد صقر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- اربلی، ابوالحسن علی‌بن عیسی محدث (۱۳۸۱)، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، ج۲، تبریز: بنی‌هاشمی.
- اشعری، ابوالحسن (۱۴۰۰)، *المقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، ج۱، ویسبادن آلمان: فرانس شتاینر.
- الویری، محسن (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س۳، ش۸، صص۷-۵۲.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳)، *اعیان الشیعه*، حققه و اخرجه حسن الامین، ج۲، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- انصاری، حسن (۱۳۹۶)، «واقعیت معجزات ائمه در گفتار شیخ مفید»، *بررسی‌های تاریخی*. ansari.kateban.com
- بحرانی، سید هاشم‌بن سلیمان (۱۴۱۳)، *مدینة معاجز الائمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر*، ج۵، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه.
- ثقةالاسلام تبریزی، میرزا علی (۱۳۶۵)، *مرآت الکتب*، ج۲، [بی‌جا]: عبدالله ثقةالاسلامی.
- جصاص، احمدبن علی رازی (۱۹۹۵)، *احکام القرآن*، تحقیق عبدالسلام محمدعلی شاهین، ج۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- حر عاملی، محمدبن الحسن (۱۴۰۱)، *تفصیل وسائل الشیعه و تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۳۰، تهران: مکتبة الاسلامیه.
- ..... (۱۴۱۸)، *الفصول المهمه فی اصول الائمه*، ج ۱، قم: مؤسسهٔ معارف اسلامی امام رضا.
- حلبی، ابوصلاح (۱۴۰۴)، *تقریب المعارف*، قم: الهادی.
- حلی، حسن‌بن یوسف‌بن علی (۱۳۶۵)، *الباب الحادی عشر*، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- خصیبی، حسین‌بن حمدان (۱۴۱۹ق)، *الهدایة الکبری*، ج ۱، بیروت: البلاغ.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۹)، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، ج۸، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمدبن شرف‌الدین (۱۳۷۵)، *غیاث اللغات*، به اهتمام منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.
- زمانی موسوی، سید روح الله (۱۳۹۱)، «بررسی کتاب اختصاص شیخ مفید»، *مطالعات مهدوی*، ش۱۸، صص ۱–۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم اجتماعی.
- شبیری زنجانی، سیدمحمدجواد (۱۳۷۰)، «شیخ مفید و کتاب اختصاص»، *نور علم*، ش ۴۰، ص ۶۰–۸۱.
- ..... (۱۳۷۰)، «شیخ مفید و کتاب الاختصاص»، *نور علم*، ش۴۲، ص ۱۵۰–۱۷۳.
- صدوق، محمدبن علی ابن‌بابویه (۱۳۹۸)، *التوحید*، قم: جامعة مدرسین.
- ..... [بی‌تا]، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح مهدی لاجوردی، ج ۲، تهران: جهان.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، «شیخ مفید و تاریخ‌نگاری او در کتاب الارشاد؛ با توجه به برخی مبانی کلامی و اصولی او»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، س۵، ش۱۸، صص۷–۳۶.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۹۸۸)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۶، بیروت: دار المعرفة.
- طبری، محمدبن جریر [بی تا]، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، [بی‌جا]: دار المعرفة.
- طیبی، علیرضا و فاطمه دست‌رنج و محمد دهقانی (۱۳۹۹)، «تاریخ گذاری روایات معجزه براساس روش تحلیلی متن و اسناد» *نشریه علوم حدیث*، س۲۵، ش ۲، صص۴۸–۷۲.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۸۲)، *تلخیص الشافی*، به کوشش حسین بحرالعلوم، ج ۱، قم: المحبین.
- طوسی، محمدبن حسن‌بن نصیرالدین (۱۴۰۷)، *تجرید الاعتقاد*، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی.
- علم‌الهدی، سید مرتضی [بی‌تا]، *تنزیة الانبیاء و الائمة*، قم: شریف رضی.
- علم‌الهدی، علی‌بن حسین (۱۳۶۲)، *جزء العلم، مندرج در تمهید الاصول شیخ طوسی*، تهران: انتشارات و چاپ ایران.
- کنتوری، اعجاز حسین‌بن محمدقلی [بی‌تا]، *کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- مجلسی، محمدباقربن محمدتقی (۱۴۰۳)، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهار*، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مستملی بخاری، اسماعیل (۱۳۶۳)، *شرح التعرف*، تصحیح محمد روشن، ج۳، تهران: اساطیر.
- مصطفوی‌فرد، حامد و احمد شه‌گلی (۱۳۹۹)، «نقش شیخ مفید و سید مرتضی در تنقیح مبانی فکری تشیع»، *دوفصلنامه کتاب قیم*، دورهٔ دهم، ش۲۳، صص۲۸۱–۲۹۰.
- معارف، مجید و محمدعلی حیدری مزرعه آخوند (۱۳۹۷)، «کاوشی در پدیدآورنده کتاب الاختصاص»، *دوفصلنامه حدیث‌پژوهی*، س۱۰، ش۲۰، صص۷–۲۸.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۳۸۸)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، شرح امیر خانبلوکی، ج۱، ۲، قم: تهذیب.
- ..... (۱۳۹۲)، *الاختصاص*، ترجمهٔ سعدالله ناطق الاسلام، قم: نوید اسلام.
- ..... (۱۳۹۳)، *النکت الاعتقادیه*، تهران: المکتبة المرتضویه.
- ..... (۱۴۱۳[الف])، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ..... (۱۴۱۳[ب])، *المسائل الجارودیة*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ..... (۱۴۱۳[پ])، *المسائل العکبریه*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ..... (۱۴۱۳[ت])، *النکت الاعتقادیه*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ..... (۱۴۱۳[ث])، *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، تحقیق فضل‌الله زنجانی، شیخ ابراهیم انصاری زنجانی و عباسقلی چرندابی، قم: المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید.
- ..... (۱۴۱۳[ج])، *تصحیح اعتقادات الإمامیة*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

List of sources with English handwriting

- Qurʾān al-Karīm.
- Abṭaḥī, Sayyed ʿAbdolḥamīd (1393 SH). "Tārīkh-e shekl-gīrī-ye goftemān-e taḥdīth dar shīʿiyān dar nīmeh-ye nokhost-sadeh-ye dovvom-e qamarī." Faṣlnāmeh-ye Moṭāleʿāt-e Tārīkh-e Eslām, 6(22): 7–31. **[In Persian]**
- ʿAlam al-Hodā, ʿAlī b. Ḥosayn (1362 SH). Jozʾ al-ʿelm (dar Tamhīd al-uṣūl Shaykh Ṭūsī). Tehran: Enteshārāt va Chāp-e Īrān. **[In Persian]**
- ʿAlam al-Hodā, Sayyed Murtażā (n.d.). Tanzīhat al-anbiyāʾ wa al-aʾimmah. Qom: Sharīf Raḍī. **[In Arabic]**
- Alvīrī, Moḥsen (1391 SH). "Gūneh-shenāsī-ye enteghādī-ye dīdgāh-hā darbāreh-ye tārīkh va chegūnegī-ye peydāyesh-e tashayyoʿ." Tārīkh-e Farhang va Tamaddon-e Eslāmī, 3(8): 7–52. **[In Persian]**
- Amīn, Sayyed Moḥsen (1403 AH). Aʿyān al-Shīʿa, vol. 2. Ed. Ḥasan al-Amīn. Beirut: Dār al-Taʿāruf lil-Maṭbūʿāt. **[In Arabic]**
- Anṣārī, Ḥasan (1396 SH). "Vāqeʿiyyat-e moʿjezāt-e aʾimmah dar goftār-e Shaykh Mufīd." Barrasi-hā-ye Tārīkhī. ansari.kateban.com **[In Persian]**
- Āqā Buzurg Tihrānī, Moḥammad-Moḥsen (1403 AH). al-Dharīʿa ilā taṣānīf al-Shīʿa, vol. 1. Beirut: Dār al-Aḍwāʾ. **[In Arabic]**
- Āqāgolīzādeh, Zeynab; Sayyed Moḥammad-Hādī Gerāmī; & Ḥasan Naqīzādeh (1403 SH).

"Seyr-e taṭavvor-e angāreh-ye rajʿat tā entehā-ye ʿaṣr-e gheybāt-e ṣoghrā bā taʾkīd bar āyāt-e qiyāmat." Faṣlnāmeh-ye Moṭāleʿāt-e Tārīkh-e Eslām, 16(61): 7–38. **[In Persian]**

- Ashʿarī, Abū al-Ḥasan (1400 AH). al-Maqālāt al-islāmiyyīn wa ikhtilāf al-muṣallīn, vol. 1. Wiesbaden: Franz Steiner. **[In Arabic]**
- Baḥrānī, Sayyed Hāshem b. Solaymān (1413 AH). Madīnat muʿājiz al-aʾimmah al-ithnā ʿashar wa dalāʾil al-ḥujaj ʿalā al-bashar, vol. 5. Qom: Moʾasseseh-ye al-Maʿārif al-Eslāmīyah. **[In Arabic]**
- Ḥalabī, Abū Ṣalāḥ (1404 AH). Taqrīb al-maʿārif. Qom: al-Hādī. **[In Arabic]**
- Ḥillī, Ḥasan b. Yūsuf b. ʿAlī (1365 SH). al-Bāb al-ḥādī ʿashar. Tehran: Moʾasseseh-ye Moṭāleʿāt-e Eslāmī. **[In Arabic]**
- Ḥurr ʿĀmilī, Moḥammad b. al-Ḥasan (1401 AH). Tafṣīl wasāʾil al-Shīʿa wa taḥṣīl masāʾil al-sharīʿa, vol. 30. Tehran: Maktabat al-Eslāmīyah. **[In Arabic]**
- Ḥurr ʿĀmilī, Moḥammad b. al-Ḥasan (1418 AH). al-Fuṣūl al-muhimmah fī uṣūl al-aʾimmah, vol. 1. Qom: Moʾasseseh-ye Maʿārif-e Eslāmī-ye Emām Reżā. **[In Arabic]**
- Ibn Manẓūr, Moḥammad b. Mokarram (1408 AH). Lisān al-ʿArab, vol. 9. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī. **[In Arabic]**
- Ibn Qutaybah Dīnawarī, Abī Moḥammad ʿAbdollāh b. Muslim (1423 AH). Taʾwīl mushkil al-Qurʾān. Ed. Aḥmad Ṣaqr. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmīyah. **[In Arabic]**
- Ibn Sīnā, Ḥosayn (1404 SH). al-Shifāʾ (al-Ilāhiyyāt). Ed. Saʿīd Zāyed. Qom: Maktabat Āyatollāh al-Marʿashī. **[In Arabic]**
- Irbilī, Abū al-Ḥasan ʿAlī b. ʿĪsā (1381 SH). Kashf al-ghumma fī maʿrifat al-aʾimmah, vol. 2. Tabrīz: Banī-Hāshemī. **[In Persian]**
- Jassās, Aḥmad b. ʿAlī al-Rāzī (1995). Aḥkām al-Qurʾān, vol. 1. Ed. ʿAbd al-Salām Moḥammad ʿAlī Shāhīn. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmīyah. **[In Arabic]**
- Khūʾī, Sayyed Abū al-Qāsem (1369 SH). Muʿjam rijāl al-ḥadīth wa tafṣīl ṭabaqāt al-ruwāt, vol. 8. Qom: Markaz Nashr Āthār-e Shīʿa. **[In Arabic]**
- Khuṣaybī, Ḥosayn b. Ḥamdān (1419 AH). al-Hidāyah al-kubrā, vol. 1. Beirut: al-Balāgh. **[In Arabic]**
- Kontūrī, Eʿjāz Ḥosayn b. Moḥammad-Qolī (n.d.). Kashf al-ḥujub wa al-astār ʿan asmāʾ al-kutub wa al-asfār. Qom: Ketābkhāneh-ye Āyatollāh Marʿashī Najafī. **[In Arabic]**
- Maʿāref, Majīd & Moḥammad-ʿAlī Ḥeydarī Mazraʿeh Ākhūnd (1397 SH). "Kāveshī dar padīd-āvarandeh-ye Ketāb al-Ikhtiṣāṣ." Ḥadīth-Pazhūhī, 10(20): 7–28. **[In Persian]**
- Majlisī, Moḥammad-Bāqer b. Moḥammad-Taqī (1403 AH). Biḥār al-anwār al-jāmiʿa li-durar akhbār al-aʾimma al-aṭhār, vol. 1. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī. **[In Arabic]**
- Moṣṭafavī-Fard, Ḥāmed & Aḥmad Shahgolī (1399 SH). "Naqsh-e Shaykh Mufīd va Sayyed Murtażā dar tanqīḥ-e mabānī-ye fekrī-ye tashayyoʿ." Ketāb-e Qayyem, 10(23): 281–290. **[In Persian]**
- Mufīd, Moḥammad b. Moḥammad b. Nuʿmān (1388 SH). al-Irshād fī maʿrifat ḥujaj Allāh ʿalā al-ʿibād, vols. 1–2. Qom: Tahzīb. **[In Arabic]**
- Mufīd, Moḥammad b. Moḥammad b. Nuʿmān (1392 SH). al-Ikhtiṣāṣ. Trans. Saʿdollāh Nāṭiq al-Eslām. Qom: Navīd-e Eslām. **[In Persian]**
- Mufīd, Moḥammad b. Moḥammad b. Nuʿmān (1393 SH). al-Nukat al-iʿtiqādīyah. Tehran: al-

Maktabah al-Murtażawīyah. **[In Arabic]**
- Mufīd, Moḥammad b. Moḥammad b. Nuʿmān (1413 AH[a]). al-Irshād fī maʿrifat ḥujaj Allāh ʿalā al-ʿibād. Qom: al-Muʾtamar al-ʿĀlamī li-l-Shaykh al-Mufīd. **[In Arabic]**
- Mufīd, Moḥammad b. Moḥammad b. Nuʿmān (1413 AH[b]). al-Masāʾil al-Jārūdīyah. Qom: al-Muʾtamar al-ʿĀlamī li-l-Shaykh al-Mufīd. **[In Arabic]**
- Mufīd, Moḥammad b. Moḥammad b. Nuʿmān (1413 AH[c]). al-Masāʾil al-ʿUkbarīyah. Qom: al-Muʾtamar al-ʿĀlamī li-l-Shaykh al-Mufīd. **[In Arabic]**
- Mufīd, Moḥammad b. Moḥammad b. Nuʿmān (1413 AH[d]). al-Nukat al-iʿtiqādīyah. Qom: al-Muʾtamar al-ʿĀlamī li-l-Shaykh al-Mufīd. **[In Arabic]**
- Mufīd, Moḥammad b. Moḥammad b. Nuʿmān (1413 AH[e]). Awāʾil al-maqālāt fī al-madhāhib wa al-mukhtārāt. Ed. Faḍlollāh Zanjānī et al. Qom: al-Muʾtamar al-ʿĀlamī li-Alfiyyat al-Shaykh al-Mufīd. **[In Arabic]**
- Mufīd, Moḥammad b. Moḥammad b. Nuʿmān (1413 AH[f]). Taṣḥīḥ iʿtiqādāt al-imāmīyah. Qom: al-Muʾtamar al-ʿĀlamī li-l-Shaykh al-Mufīd. **[In Arabic]**
- Mustamlī Bukhārī, Esmāʿīl (1363 SH). Sharḥ al-Taʿarruf, vol. 3. Ed. Moḥammad Rowshan. Tehran: Asāṭīr. **[In Persian]**
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥosayn b. Moḥammad (1412 AH). Mufradāt alfāẓ al-Qurʾān. Beirut: Dār al-Qalam. **[In Arabic]**
- Rāmpūrī, Ghiyāth al-Dīn Moḥammad b. Sharaf al-Dīn (1375 SH). Ghiyāth al-lughāt. Ed. Manṣūr Sorūvat. Tehran: Amīr Kabīr. **[In Persian]**
- Ṣadūq, Moḥammad b. ʿAlī Ibn Bābūyeh (1398 SH). al-Tawḥīd. Qom: Jāmeʿat al-Mudarrisīn. **[In Arabic]**
- Ṣadūq, Moḥammad b. ʿAlī Ibn Bābūyeh (n.d.). ʿUyūn akhbār al-Riḍā, vol. 2. Ed. Mahdī Lājvardī. Tehran: Jahān. **[In Arabic]**
- Ṣafarī Furūshānī, Neʿmatollāh (1386 SH). "Shaykh Mufīd va tārīkh-negārī-ye ū dar Ketāb al-Irshād." Faṣlnāmeh-ye Shīʿa-shenāsī, 5(18): 7–36. **[In Persian]**
- Sārūkhānī, Bāqer (1382 SH). Ravesh-hā-ye taḥqīq dar ʿulūm-e ejtemāʿī. Tehran: Pazhūheshgāh-e ʿUlūm-e Ejtemāʿī. **[In Persian]**
- Shabbīrī Zanjānī, Sayyed Moḥammad-Javād (1370 SH). "Shaykh Mufīd va Ketāb al-Ikhtiṣāṣ." Nūr-e ʿElm, 40: 60–81. **[In Persian]**
- Shabbīrī Zanjānī, Sayyed Moḥammad-Javād (1370 SH). "Shaykh Mufīd va Ketāb al-Ikhtiṣāṣ." Nūr-e ʿElm, 42: 150–173. **[In Persian]**
- Ṭabarī, Moḥammad b. Jarīr (n.d.). Jāmiʿ al-bayān fī tafsīr al-Qurʾān, vol. 2. [n.p.]: Dār al-Maʿrifah. **[In Arabic]**
- Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan (1988). Majmaʿ al-bayān fī tafsīr al-Qurʾān, vol. 6. Beirut: Dār al-Maʿrifah. **[In Arabic]**
- Ṭaybī, ʿAlī-Reżā; Fāṭemeh Dastranj; & Moḥammad Dehqānī (1399 SH). "Tārīkh-gozārī-ye revāyāt-e moʿjeze bar asās-e ravesh-e taḥlīlī-ye matn va asnād." ʿUlūm-e Ḥadīth, 25(2): 48–72. **[In Persian]**
- Thiqat al-Islām Tabrīzī, Mīrzā ʿAlī (1365 SH). Mirʾāt al-kutub, vol. 2. [n.p.]: ʿAbdollāh Thiqat al-Islāmī. **[In Persian]**
- Ṭūsī, Abū Jaʿfar Moḥammad b. Ḥasan (1382 SH). Talkhīṣ al-shāfī, vol. 1. Ed. Ḥosayn Baḥr al-

ʿUlūm. Qom: al-Muḥibbīn. **[In Arabic]**

- Ṭūsī, Moḥammad b. Ḥasan b. Naṣīr al-Dīn (1407 AH). Tajrīd al-iʿtiqād. Tehran: Daftar-e Tablīghāt-e Eslāmī. **[In Arabic]**
- Zamānī Mūsavī, Sayyed Rūḥollāh (1391 SH). "Barrasī-ye Ketāb al-Ikhtiṣāṣ Shaykh Mufīd." Moṭāleʿāt-e Mahdavī, 18: 1–7. **[In Persian]**